



ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

تکنیک هایی قدرتمند و ثابت شده برای دستیابی به موفقیت و ثروت

مهدی علی زاده

www.webenik.com
webenik@ymail.com
info@webenik.com



ذهن ثروتمند، ذهن فقیر

(تکنیک هایی قدرتمند و ثابت شده برای دستیابی به موفقیت و ثروت)
مؤلف: مهدی علی زاده

فهرست

-مقدمه
- آیا آماده نیستی تا دست به کار بشی و شروع به حرکت کنی؟
- برای خودت زندگی کن.....
- میدونی بدترین کلمه دنیا چیه؟
- نمیدونی چیکار کنی؟ اصلا مهم نیست!
- داستان یک رویا.....!
- از هر کاری که میترسی انجامش بده.....
- شروع کن به حرکت و بزرگی خودتو نشون بده.....
- چقدر خودتو باور داری؟.....
- آیا به قدرتهایی که خداوند در وجودت قرار داده واقف هستی؟
- کلمه ای که تو و زندگی تو را کنترل میکنه چیست؟
- چند بار تا حالا واژه وقت طلاست به گوشت خورده؟
- به کار هست که نباید هیچ وقت انجامش بدی.....
- بهترین راه، تنهاترین راه، امن ترین راه، برای رسیدن به موفقیت.....
- اصل اقدامات کوچک.....
- اصل آخرین قدم و سخت ترین قدم.....
- بزرگترین دروغ دنیا.....
- چرا بعضیا موفقیتیر و ثروتمندتر هستن؟
- آیا اهداف زندگی خودتو مشخص کردی؟
- چگونه اهداف خود را انتخاب کنیم؟

با نام و یاد خداوند رزاق

با سلام و احترام خدمت شما دوست عزیز و همراه وبسایت **webenik.com** .
من مهدی علی زاده هستم و واقعا خوشحالم که با این کتاب الکترونیکی بسیار تاثیرگذار در خدمت شما هستم.

تو این کتاب درباره مسائلی صحبت میکنم که اگه با دقت و با حوصله اونارو بخونی و عمل کنی بهت قول میدم حس بسیار عالی پیدا کنی و حس کنی خودت خالق زندگیت هستی و با اطمینان بهت میگم که این زندگی ما حاصل تفکر، تلاش و کوشش خود منه و نتیجش هر چی که هست باعثش خودم هستم. با خواندن مطالب این کتاب کنترل زندگیت رو بدست میگیری و از زندگی روزمره و بی هدف خلاص میشی.

دوست من به نظرم وقتش رسیده که خودتو مسئول کل زندگیت بدونی و یقین داشته باشی که چیزی که امروز درو میکنی ما حاصل کاشت خودت بوده و هیچ کسو در قبال اون مقصر ندونی. من به شخصه تو برهه ای از زندگی یه تلنگر بهم زده شد و شروع کردم به تغییر زندگیم. از صمیم قلب دوست دارم تو هم تو از این لحظه و همین حالا شروع کنی به تغییر اونچه که تو رو اسیر کرده و نگذاشته به جلو حرکت کنی، نگذاشته به آرزوها و رویاهات برسی .

از موقعی که یادم میاد آدم رویا پردازی بودم خیلی فکر و خیال میکردم و کلا هم آدم کم حرفی بودم ولی هر موقع چیزی رو از اعماق وجود و با تمام قلب و روحم خواستم بدستش آوردم. باورتون همیشه برای کنکور، من حتی درست و حسابی درس هم نخوندم البته شاگرد ضعیفی نبودم ولی دقیقا تو رشته مورد علاقم قبول شدم.

ولی اصل داستان من برمیگرده به چندین سال قبل ؛ تا اون موقع همه چی خیلی عادی بود و یه زندگی کاملا روتین با یه شغل معمولی و با آرزوهای معمولی.

به صورت کاملاً اتفاقی کتاب به **سوی کامیابی آنتونی رابینز** به دستم رسید. با کلی شک و تردید و بدبینی شروع به خوندنش کردم. پیش خودم برنامه ریزی کردم که این کتابم مثل کتابای دیگه، که معمولاً آروم آروم و با حوصله روزی چند صفحه میخوندم، میخونمش.

این اولین کتاب با موضوعاتی مثل موفقیت در زندگی و رسیدن به خوشبختی و کلا با موضوعات مشابه بود که میخوندم.

نمیدونم چه اتفاقی افتاد چی تو این کتاب بود که هر کاری کردم بزارمش زمین و بقیشو فردا بخونم نشد. همون روز من این کتابو تموم کردم. باورم نمیشد. من کلا آدم کتاب خونی بودم ولی سابقه نداشت یه کتابی رو اینجوری بخونمش.

معمولاً خیلی آهسته آهسته میخوندم که خوب بفهمش. ولی یه اتفاق جالب افتاده بود و من نمیتونستم خوندنشو قطع کنم. اون کتابو من چند بار دیگه خوندم و جلد دومشم خریدم و اونم خوندم.

باورتون همیشه با خوندن یه کتاب کلا نگاهم به زندگی عوض شد. دیدم من چقدر دنیای کوچیکی برای خودم ساخته بودم. انسان چه قابلیتی داره. بعضی مواقع شک میکردم که این داستانهایی که تو این کتاب نوشته شده اصلاً حقیقت داره یا نه. چه ذوق و شوقی داشتم حال خوب بود کلی انرژی داشتم و نمیدونستم از کجا باید شروع کنم. این چی بود دیگه، تا اونروز همچین حالیو تجربه نکرده بودم.

اصل مطلب کتاب اینه که آدمیزاد هر چیزی رو واقعا بخواد میتونه بدستش بیاره. مگه میشه! خلاصه که این شروع ماجرا بود و چند تا کتاب با موضوعات مشابه خریدم و شروع کردم به خوندن. همینجور که میخوندم هدفایی هم تو ذهنم واسه خودم ترسیم میکردم و سعی میکردم محققشون کنم ولی هدفایی کوچیک با بازه زمانی کوتاه؛ و راستش هنوز به اصل قضیه شک داشتم تا اینکه یواش یواش دیدم مثل اینکه کار میکنه.

اولین بار تو پیدا کردن کار به یقین نسبی رسیدم. همینجور که جلوتر میرفتم هدفام بزرگتر میشد ولی بازم میدیدم بازم همه چی درسته.

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

خلاصه کنم این قضایا گذشت و تا امروز که در خدمت شما هستم ایمان کامل دارم که انسان به هر چی بخواد و اگه جزئی از وجودش بشه و به یه وسواس براش تبدیل بشه محاله ممکنه بهش نرسه.

حالا که کمی از تجربیات خودمو بهتون گفتم، میخوام بیشتر و با جزئیات کاملتر تو این کتاب براتون بنویسم تا شما هم استفاده کنید و شما هم تجربه کنید و موفق بشید و بیاید تجربیات خودتونو و داستان موفقیت هاتونو بگید تا بقیه هم بخونن و انگیزه بگیرن. امیدوارم به جایی برسیم که همه مردم ایران زمین موفق و سربلند باشن و هیچ کس دچار مشکلات ریز و درشت زندگی نباشه. با همدیگه یاد بگیریم که چطور زندگی کنیم و به همدیگه یاد بدیم هنر زندگی کردنو.

مطمئن باش قراره بزودی زندگی متحول بشه و یه تحول بزرگو تو زندگی تجربه کنی. جوری که هر آرزو ، هر رویا، هر مقدار پول و ثروت، هر خونه و امکاناتی که بخوای بتونی به راحتی بدست بیاری. همه اینا بستگی به خودت داره و خودت خالق زندگی خودت خواهی بود.

قبل از اینکه شروع کنیم لطفا:

یه دفترچه **قرمز** رنگ سایز متوسط برای خودت تهیه کن. حالا چرا **قرمز** و چرا سایز متوسط. سایز متوسط برای اینکه همیشه همراهت داشته باشیش. و **قرمز** اینکه کالا ازت میخوام از حالا به بعد دفترچه هایی که برای این منظور تهیه میکنی به رنگ **قرمز** باشه. تاثیر این کار اینه که هیچ وقت با دفترهای دیگه قاطی نمیشه و اینکه فقط با دیدن جلد این دفترچه یه جور تداعی ذهنی شکل میگیره تو ذهنت و باعث میشه ناخودآگاه محتویات داخلش بیاد جلوی چشمت. یعنی خیلی وقتا حتی بدون اینکه دفترت باز کنی و بخونیش مطالبی که داخلش یادداشت کردی برات یادآوری میشه. اینکار و بکن بعدها به فایده این کار ایمان میاری.

یادتون باشه این دفترچه تاثیر خیلی زیادی تو کار و پیشرفت تو خواهد داشت. همیشه باید همراهت باشه و تو دوره های دیگه این سایت از همین دفترچه استفاده خواهی کرد.

دوستدار شما - مهدی علی زاده

آیا آماده نیستی تا دست به کار باشی و شروع به حرکت کنی ؟

دوست من؛ هر کاری داری انجام میدی یه لحظه ازش دست بکش و فقط به چیزایی که میگم توجه کن، بهت قول میدم ضرر نکنی. ازت میخوام یه سوالی بپرسم؛ فقط قبل از اینکه سوالمو بپرسم میخوام بهم قول بدی که واقعا در موردش فکر کنی همینجوری از کنارش رد نشی؛ اینجا رو یه شروع فرض کن و به این فکر کن که کائنات حرفتو شنیده و میخواد تو رو از وضعیت فعلیت به جایی که آرزوشو داری و تو رویاهات میدیدی بیره.

زندگی کوتاهتر از اونیه که دست کم گرفته بشه. خوب، به من بگو چی میخوای؟ از زندگیت چی میخوای؟ بدون هدف و چشم انداز که همیشه همینجوری دل به جاده زد. باید یه مقصدی داشته باشی؛ یه لحظه خودتو مجسم کن. مقصدتو ببین، به راهی که تا حالا اومدی توجه کن؛ ببین مسیری که انتخاب کردی تو رو به اون چیزی که از زندگی



میخواستی میرسونه؛

من که نمی‌دونم چه هدفی داری. اصلا هدفی داری؟ اصلا از زندگی چیزی میخوای یا با خودت کنار اومدی و میگی دنیا دو روزه و میاد میره و اصلا برات مهم نیست که چه جوری عمرت میگذره.

ازت میخوام یه دلیل پیدا کنی واسه لحظه لحظه نفس کشیدنات، واسه هر روز صبح بیدار شدنات واسه اینکه هر روز پا میشی تا با این زندگی و سختیاش درگیر بشی، من ازت میخوام یه هدف، یه دلیل پیدا کنی واسه خودت. گذشته و آینده رو رها کنی فقط به امروز بچسبی.

اصلا تا حالا به این قضیه فکر کردی که ماموریت شخصی تو چی میتونه باشه؟ آره ماموریت شخصی تو. همه ماموریت شخصی دارن پیامبرهام ماموریت شخصی داشتن منو تو هم ماموریت شخصی داریم بدون شک خداوند به ما ماموریت داده که ما هم باید انجام بدیم.

ماموریت من و تو به مانند ماموریت پیامبرها نیست ولی ما هم ماموریت خودمونو داریم. کار ما به اندازه کار اونا سخت نیست ولی سختیهای خودشو داره. من و تو برای یه ماموریتی اینجا هستیم من و تو بی دلیل اینجا نیستیم خداوند بدون شک برای من تو ماموریتی در نظر گرفته.



ماموریت تو چیه؟ هدف تو چیه؟ تو چه ماموریتی داری؟ خوردن و خوابیدن یک زندگی معمولی؟ پیشرفت نکردن! غر زدن! حسرت خوردن! درجا زدن! اینا ماموریتای تو نیست. تو فراتر از این حرفا هستی. تو قدرتمندتر از تصورات هستی.

هر روز از خودت بپرس ماموریت شخصی من چیه؟ من باید چه کاری رو انجام بدم؟ چه کاری رو فقط من میتونم انجام بدم و دیگران نمیتونن. اون ماموریت شخصی توست. کاری که فقط تو میتونی انجام بدی. اگر هنوز پیداش نکردی دست از گشتن بر ندار منو تو هم ماموریتی داریم منو تو هم باید کارهایی رو انجام بدیم.

منو تو هم توانمند به این دنیا اومدیم؛ خودتو دست کم نگیر. تو از برای پروردگار قدرتمند هستی. تو روح بزرگی داری خداوند در کنار توه. همانگونه که در کنار پیامبرانش بوده با ماموریتی متفاوت.

فکر نمیکنی کارایی هست که میتونیم و انجامشون نمیدیم؟ چیزایی که مخصوص خودمون باشه. هر روز پیرتر میشی هر روز یک روز از آیندمون کم میشه و یک روز به گذشتمون اضافه میشه. شما میتونین کارای تکراری خودتون رو پشت سر هم تکرار کنین و تهش

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

بعد از ۵ سال دیگه همینجایی که الان هستی بازم بمونی.
بعد از ۳۶ ماه میخوای توی کار و زندگیت چه جوری باشی؟ نه اینکه امیدت به چیه؟ چه تصمیمی براش داری؟ اگر همین نظم و سرعتی که الان داری رو ادامه بدی بعد از ۵ سال دیگه به کجا میرسی؟ یا به جایی میرسی که به خوبی برنامه ریزیش کردی، یا به سرانجامی شانسی میرسی! برنامه ریزی شده یا شانسی؟

بهت قول میدم نمیخوای یه پایان شانسی داشته باشی. میخوای بعد از ۵ سال چه جوری باشی؟ شروع کن به نگاه کردن به آینده و ببین میخوای چی بدست بیاری؟ میخوای کجا باشی؟ میخوای چه جور آدمی باشی؟ و سعی کن مقصد نهایی خودت رو به خوبی ببینی و خودت اونجا رو تصور کنی؛ این مسیره که مقصد رو مشخص میکنه. مقصد فقط با امید و خواست تو مشخص نمیشه، مقصد با جهت حرکت مشخص میشه.

مسولیت کارات رو توی قلب خودت قبول کن و بگو خودم مشکل هستم خودمم راه حلیم. تا آزاد باشی و زنجیرهای ذهنیت رو پاره کنی و هر چی مانع هست رو از بین ببری و در کنترل خودت باشی.

اگه دست به کار بشی آینده متعلق به توست اگر هر چه زودتر شروع کنی تمام موفقیت ها برای آدمیزاد ممکنه. اگه زود شروع کنی نور موفقیت رو میتونی ببینی و اتفاقات شگفت انگیزی واست میوفته.



درسته همیشه کارایی ضربتی درست زمانی که دیر هست انجام داد و شاید هم نتایج خوبی ازشون گرفت اما اگه دیگه وقتی نداشته باشی. مجبوری زمانی شروع کنی به تصمیم گیری که دیگه خیلی پیر یا خسته شدی و هیچ کار نمیتونی بکنی.

زندگیت رو چه جور میسازی؟ بعضی وقتا با تمام وجودت چیزایی هست که میخوای؛ درسته؟ کدوم یکی از شما کاری بوده که به نظرتون زمانی غیر ممکن می اومده ولی الان بخشی از زندگیتون شده؟ که زمانی یه رویا و دست نیافتنی بوده؛ خوب چه جور انجامش دادی؟

شروع کردی به برنامه ریزی و رویا پردازی و روش تمرکز کردی درسته یا نه؟ هر جا تمرکز باشه انرژی جاری میشه. باید برای رویایی که داری دلایل خوب و محکمی هم داشته باشی که هیجان زدت کنه؛ بگی من باید اینجوری باشم میخوامش؛ رویاشو ببینی، راجع بهش حرف بزنی اگه مدام روی چیزی تمرکز کنی معجزه اتفاق میوفته.

بینش که داری از قویتر میشه اگه شکستی هم داشتی به خاطر تمرکزت روی هدفت بوده که تونستی از سدش رد بشی، میتونی همون مسیری که دو سال اخیر رفتی رو دوباره بری. ممکنه همه چی واست خوب باشه و نخوای اصلا چیزی رو عوض کنی.

اما اگه نیاز به تغییر داری میخوام بهت بگم که میتونی از همین امروز شروع کنی. تا دو سال بعدی تو به شدت با دو سال گذشته ات فرق داشته باشه؛ و امیدوارم همین امروز انتخاب کنی که میخوای مسولیت زندگیت رو به دست بگیری. که دیگه نمیخوای دیگران رو مقصر بدونی؛ دیگه بهانه نتراشی. که بخوای زندگی رو یه ماجراجویی بزرگ بدونی و میخوای از خودت بپرسی کارم چقدر درسته؟ چقدر میتونم قوی باشم؟

واقعا از زندگیت چی میخوای؟

اینجا میخوام یه آزمون بهتون یاد بدم که خودمم تو یکی از همین کتابای موفقیت یاد گرفتم مدام ازش استفاده میکنم. شمام واسه اینکه یقین پیدا کنید راهی که در نظر گرفتین و شغلی که انتخاب کردین درسته و به اشتباه وارد اون نشدید یه آزمون از خودتون بگیرید. ازت خودتون بپرسید اگه یک میلیارد تومان بهتون بدن آیا حاضرید کار فعلیتونو ول کنید؟ آیا اینقدر به این شغل عشق میورزی که حاضر باشی با وجود یک میلیارد تومان بازم ادامه بدی؟ اگه جوابتون بله است پس راه درست رو انتخاب کردید وگرنه اشتباه کردید و دوباره

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

برای خودتون هدف گذاری کنید و راهی رو که بهش از صمیم قلب علاقه دارید انتخاب کنید.

تمرین:

۱- دفترچه قرمز رو که بهت گفته بودم تهیه کنی باز کن و بالای صفحه بنویس ماموریت من بعد همه کارها و مهارت هایی که داری رو تو اون دفتر چه بنویس. از ریز و درشت. هرچی رو که به ذهنت میرسه. هدف اینکه مهارتهایی که تا حالا یاد گرفتی بهت یادآوری بشه. مطمئنا کارایی و مهارتهایی داری که ازش هیچ استفاده ای نمی کنی.

۲- هر کاری که به ذهنت میرسه که با این مهارتها میشه انجام داد رو بنویس. مهم نیست این ایده ها عملی باشه یا نه فعلا فقط قصد داریم یه لیست از همه تواناییهات تهیه کنیم.



امروز روز آخر توست برای خودت زندگی کن:

اگر یک نفر بهت بگه، یک قدرتی به تو بگه؛ تو دیگه فردا رو نداری و تمام دارایت و زندگیت همین امروزه، تو چیکار میکنی؟ چیکار میکنی اگر یه نفر پیدا بشه یه قدرتی، یه نیرویی، یه صدایی، بهت بگه تمام زندگیت، تمام دارایت، که همون زندگیته ، فقط و فقط همین امروزه ؟

تو دیگه نمیتونی فردا رو ببینی، تو دیگه فردا نفس نمیکشی، تو دیگه فردا توی این دنیا بین مردم نمیتونی زندگی بکنی ، اون موقع چیکار میکنی؟
یک روز آخر سر ما این دنیا رو ترک میکنیم کی میدونه کی ترک میکنیم؟ هیچ کس. پس وقتی نمیدونیم کی این دنیا رو ترک میکنیم، چرا هر روزمونو به گونه ای زندگی نکنیم که انگار فردا رو نداریم و فقط همین امروزو داریم؟

چرا اینجوری زندگی نکنیم ؟ وقتی ما از آینده خبر نداریم ونمیدونیم چقدر زمان داریم ، چرا به اون گونه که دلمون میخواد زندگی نکنیم؟ اگر بهت بگن دیگه فردا رو نداری اگر بهت بگن همه دارایت همین امروزه اون موقع چه کار میکنی؟
همین الان تصور کن که فردا رو نداری، امروز چیکار میکنی؟ بعید میدونم که بهونه بیاری، بعید میدونم با کسایی که قهر بودی قهریتو ادامه بدی، بعید میدونم از هوا ایراد بگیری!
وای چرا امروز بارونیه چرا گرمه چرا سردهاصلا یادت میره این حرفا . من قول میدم اگه بدونی اگه مطمئن باشی که فقط و فقط امروز زنده ای دیگه حرف مردم واست بی ارزش میشه، حرف و قضاوت مردم واست بی ارزش میشه.
میگی هر چی دلشون میخواد پشت سر من حرف بزنن، هر قضاوتی دلشون میخواد بکنن، دیگه بی ارزش میشه حرف و نظر دیگران. من قول میدم همون حرف و نظر دیگران که باعث شده زندگی ما تویه حصاری قرار بگیره.

اونها برای من و شما بی ارزش میشن، اگه بدونیم امروز آخرین روز زندگی ماست ؛ وقتی میدونیم اونروز فرا میرسه اونروز یک روز فرا میرسه چرا از همین الان اونروزو تصور نکنیم؟ اونجوری که دلمون میخواد لباس بپوشیم کار بکنیم زندگی بکنیم ، چرا به حرف و نظر

دیگران فکر کنیم؟ وقتی میدونیم فردا رو نداریم چرا امروزو از دست بدیم؟ چرا خودمونو در بند خاطرات تلخ گذشته بکنیم؟
وقتی میدونیم فردا مال ما نیست، یک لحظه هم صرف حرف دیگران نمیکنیم؛ شاید باورتون نشه ولی بیشترین شکستای انسان از اونجایی نشات میگیره که انسانها به قضاوت دیگران فکر میکنن ، به اون گونه که دلشون میخواد زندگی نمیکنن به اون گونه ای زندگی میکنن که دیگران اونها رو قضاوت میکنن، اونا دوست دارن که دیگران قضاوت خوب درموردشون بکنن خیلی احمقانهست این طرز فکر!
ما داریم به گونه ای زندگی میکنیم که دیگران رو راضی نگه داریم تا اینکه خودمونو راضی نگه داریم. ما اصلا خودمونو فراموش کردیم و به فکر این هستیم که دیگران در مورد ما چه فکری میکنن، مردم چی میگن دوستان چی میگن؛ تمام تلاشمونو میکنیم که اونها درموردمون خوب قضاوت بکنن. ما قاضی واقعی که خداونده رو فراموش کردیم! مردم هزار بگن مردم هر چی میخوان بگن. هرروز با این تصور زندگی کنید

امروز روز آخر شماست شما برای خودتون زندگی میکنید.

برای دریافت هدیه رایگان به آدرس زیر مراجعه کنید

www.webenik.com

تمرین:

دفترچه تون رو باز کنید و بالای صفحه بنویسید روز آخر.
لیستی از کارهایی رو که اگه امروز روز آخر زندگیتون بود انجام میدادید رو لیست کنید.
هدف فقط لیست کردن این کارهاست و فعلا هدف دیگه ای نداریم. مطمئنا بعد از تهیه لیست از مرور کردن اون جا میخوری.

میدونی بدترین کلمه دنیا چیه؟

اغلب ما تو زندگی وانمود میکنیم که هیچ وقت هدف یا آرزو یا خواسته خاصی نداریم در حالیکه در عمق وجودمان چیزهای زیادی میخواهیم، ما خودمون رو متوقف میکنیم و این کلماتو مانند اینکه در خلسه هستیم به کارمیگیریم، مانند خواب گردی در زندگیمان و به این صورت راه هایی برای از بین بردن آرزوهایمان پیدا میکنیم. کارهای زیادی هست که می خواهیم انجام بدیم جاهای فراوانی هست که مشتاقیم بریم چیزهای زیادی هست که دوست داریم تجربه کنیم و ما فقط با کلمه «اما» متوقف میشیم. «اما» سبب میشه که پشت ترسها پنهان بشی. «اما» سبب خواهد شد که از تمام توجیه ها و بهانه ها استفاده کنی، «اما» نابودگر رویاست.

میدونی اغلب مردم چیکار میکنن؟ اغلب مردم زندگی خود شونو به آرامی بر روی نوک انگشتانشان تا مرگ طی میکنن، ما ایده هایی داریم که به آن عمل نمی کنیم، چیزهای زیادی هستن که اونها رو میخواهیم و میترسیم که شانس خودمونو امتحان کنیم، بسیاری از مردم به چیزهایی نه میگن که حتی نمیدونن به چه چیزایی نه گفتن. اجازه نده شک و تردید تو رو تو سختی قرار بده. افراد بسیاری هستن که می گن من یه بار سعی خودمو کردم یا دوبار، ولی شکست خوردم و به نتیجه نرسیدم و از اونا به عنوان عذر و بهانه ای استفاده می کنن که دوباره سعی خودشونو نکنن.

حتی اگر کارها خوب پیش نمی ره، حتی اگر شکست را تجربه میکنی، این به معنی شکست نیست. بین زمین خوردن شکست خوردن یه فرقایی هست. اگر کارها به خوبی پیش نمیره، اگر به نتیجه ای که میخواهی نمیرسی، با این حال از اهداف اصلی و خود واقعیت سردر گم و گیج نشو. هر کاری که میتونی انجام بده، با هرچه که داری و در هر نقطه ای که هستی و هیچگاه به اونچه داری بسنده نکن.

هیچگاه به اکنون خودت قانع نباش، همیشه به یاد داشته باش که در هر جایگاهی که هستی میتونی لذت بیشتری را تجربه کنی، چون لیاقتش رو داری. چرا حالا تصمیم نمیگیری که دنیای خودتو توسعه بدی؟

اگر افراد دیگر میتونن یاد بگیرن تو هم میتونی، اگر بر روی آرزوی خودت کار میکنی، قطعاً زمان هایی خواهد اومد که میخوای از کارت دست بکشی، زمانهایی خواهد اومد که زندگی شما را به زمین بکوبد و در نا امیدي نگهت می‌داره. اما چالش به معنی ادامه دانه. اگر سر سختانه ادامه بدی کائنات طرفدارت خواهد بود؛ اگر تصمیم نگرفته ای که برای آرزوهات اقدامی کنی، اگر تصمیم نگرفتی که به واقع زندگی کنی، اگر تصمیم نگرفته ای که به ترس‌های خودت غلبه کنی، اگر تصمیم نگرفته ای که به زندگی بله بگی؛ هیچ وقت زندگی اونجوری که می‌خواهی نخواهد شد، تو باید به معنای واقعی خودت زندگی کنی، زندگی بسیار کوتاه و غیر قابل پیش بینی است.

خیلی از حرفای قدیمیا درست بوده ولی این جمله جزو اونای نیست! فردا هم روز خداست... نه هیچ گارانتی نیست که فردایی هم برای او باشه! همیشه بهانه ای هست، چرا نمی تونی به مرحله بعدی بری؟ چرا نمی تونی بزرگی و عظمت خودت رو به ظهور برسونی؟ چرا نمی تونی اونجوری که باید زندگی خودت رو تحت کنترل بگیری؟

حتماً میخوای بگی: زندگی ارزش اینو نداره! بله در مورد شما درسته، زندگی در مقابل تو خواهد بود که می گوید به عقب برگرد پس اگر می خواهی کاری را انجام بدی و در مورد آن خوب فکر کردی، پس قدم به جلو بزار و زندگی هرگز به مانند گذشته نخواهد بود رویای خودت رو زندگی کن، آیا در زندگی امکان پذیر هست که تمام رویاهایت تحقق یابد؟ بله امکان پذیره، اما سوال مهمی که باید از خودت بپرسی اینه که:

آیا تصمیم خودت رو گرفتی؟

تمرین:

۱) یه روز خاصی رو انتخاب کن و حرفایی که در طول اون روز به زبون میارید رو زیر نظر داشته باش و تعداد دفعاتی که از کلمه اما استفاده میکنی یا از کلمات هم معنی اون به خاطر بسپار و اونارو همون شب موقع خواب تو دفترچه یادداشت کن.

۲) سعی کنی در روزهای بعد از این کلمه کمتر استفاده کنی و هر شب که تعداد دفعات استفاده از اون رو تو دفترچه مینویسی تعدادش کمتر شده باشه.

تاثیر همین یه عادات تو زندگی روزمرتون بی نظیره.

نمیدونی چیکار کنی؟ اصلا مهم نیست...

در حال فکر کردن به چه چیزی هستی؟ همین حالا به رویاهات فکر کن، رویای خودتو تجسم کن؛ سعی کن چشمتو باز کنی. من بر این باور هستم که هیچ رویایی به ما داده نشده است مگر اینکه توانایی به انجام رساندن آن به ما داده شده باشد.

نمیدونم چه رویایی توسرت داری و یا چه میزان احتمال وقوع روایات به واقعیت امکان پذیره؛ اهمیتی نمیدم که در راه رسیدن به رویای خودت به چه میزان ناامید خواهی شد، اما این چیزیه که میدونم؛ رویایی که هم اکنون در ذهن خودت داری امکان پذیره.

میدونی گاهی از اوقات ما نمیتونیم بگیم، من توانایی انجام اون کارو دارم؛ اما میتونم بگم که انجامش امکان پذیره. اول از همه باید مطمئن بشی که این کار واسه تو ساخته شده و تویی که میتونی انجامش بدی، بعدش باید با تمام شور و اشتیاق کار کنی و این کارو واسه پول انجام ندی، پول بالاخره به دست میاد، این کارو به خاطر عشقت به اون انجام بده.

برای بعضی از شماها که لحظات سختی در زندگی خودتون گذروندید. ولی با همه اینا از رویاهای خودت دست نکش، هنگامی که به رویای خودت ایمان داشته باشی زمانهایی میاد که به خودت شک میکنی، اما این روزها نیومدن تا برای همیشه بمونن، اونا اومدن تا بگذرن. دوستن این مسئله برای او خیلی مهمه؛ اگر میخواهی تا رویاهات به حقیقت بپیونده بسیار مهمه که باور داشته باشی تو منحصر به فرد هستی.

همه ما تو قسمتی از زندگی خودمون عقب می افتیم اما سوال اینجاست که چه کسی عقب نمی کشه؟ اگر خودت را نشون بدی، شانسی داری، ولی اگه خودت را نشون ندی نتیجه روشنه؛ اگر خودت را نشون بدی شانسی رسیدن به اونیه که میخواهی رو داری، اما اگر میترسی از اینکه خودت رو نشون بدی، هیچ شانسی نخواهی داشت، اگر نری و خودت رو نشون ندی هیچ کس هیچ وقت بهت زنگ نمیزنه، چون توی اون لحظه حاضر نبودی.

برنده ها همیشه خودشون رو نشون میدن، اونا ترجیح میدن بیازن تا این که خودشون رو پنهان کنن، باید به دنبالش بری باید همه تلاشتو بکنی اگر باختی رفیق، حداقل تلاشتو کردی، گفتن این که من شکست خوردم ده برابر بهتر از اینه که به خودت بگی ای کاش. تو باید به خودت بگی من منحصر بفردم من کسی هستم که باعث این اتفاق خواهد شد من کسی هستم که موفق خواهد شد، اگر میخواهی رویات به حقیقت تبدیل بشه، باید انسان های منفی رو رها کنی و بدونی که میتونی به رویای خودت برسی، باید بدونی که تو باید جسور باشی، باید برنامه ای داشته باشی و خلاق باشی، چگونگی انجامش را نمی دونی؟ اما باید شروع کنی. باید به خودت بگی از یه راهی و از یه طریقی من این کارو انجام خواهم داد، رویایی که در سر داری، شدنیست.

داستان اون پسرک فقیر رو شنیدید؟

از مردی که صاحب گسترده ترین فروشگاه های زنجیره های در جهان است پرسیدند : «راز موفقیت شما چه بوده؟»
او در پاسخ سرگذشت خودشو تعریف کرد :

«زادگاه من انگلستان است در خانواده ای فقر به دنیا آمده ام و چون خود را به معنای واقعی فقیر میدیدم، هیچ راهی به جز گدایی کردن نمی شناختم. روزی به طرف یک مرد متشخص رفتم و مثل همیشه قیافه ای مظلوم و رقت بار به خود گرفتم و از او درخواست پول کردم. وی نگاهی به سراپای من انداخت و گفت : به جای گدایی کردن بیا با هم معامله ای بکنیم. پرسیدم: چه معامله ای؟ گفت: ساده است یک بند انگشت تو را به ده پوند میخرم گفتم:عجب حرفی میزنیدآقا!یک بند انگشتم را به ده پوند بفروشم؟!»

بیست پوند چطوراست؟ شوخی میکنید؟! برعکس کاملاً جدی میگم. جناب ! من گدا هستم اما احمق که نیستم. او همچنان قیمت را بالا میبرد. تا هزار پوند رسید.گفتم اگر ده هزار پوند هم بدهید من به این معامله راضی نخواهم شد. گفت اگر یک بند انگشت تو بیش از ده هزار پوند می ارزد پس قیمت قلب تو چقدر است؟

در مورد چشم، گوش، مغز، و پای خود چه میگویید؟ لابد همه وجودت را به چند میلیارد هم نخواهی فروخت؟ گفتم بله، درست فهمیدید. گفت عجیب است که تو یک ثروتمند حسابی هستی اما داری گدایی میکنی؟! از خودت خجالت نمی کشی؟
گفته‌ی او همچون پتکی بود که بر ذهن خواب آلود من فرود آمد. ناگهان بیدار شدم و گویی از نو دنیا آمده‌ام؛ اما این بار مرد ثروتمندی بودم که ثروت خود را از معجزه‌ی تولد به دست آورده بود. از همان لحظه گدایی کردن را کنار گذاشتم و تصمیم گرفتم زندگی تازه‌ای را آغاز کنم. حال تو بگو دوست من اگر امروز اولین تولد شما بود، چه راهی را درپیش می‌گرفتی و چه میکردی؟

**چی میشد اگر ما میفهمیدیم که چقدر قدرتمندیم.
متوقف نشو در راه رسیدن به رویاهات متوقف نشو.**

داستان یک رویا!

میخوام به خاطره‌ی آن که برای خودم پیش آمده رو برات تعریف کنم تا قدرت خواستن از صمیم قلب رو بهتر درک کنی؛ چندین سال قبل موقعی که هنوز مجرد بودم و تازه درسم تموم شده بود و تازه سرکار میرفتم به خونه‌ی تو حومه شهر اجاره کرده بودم که به حیاط کوچیک داشت شبها موقعی که میخواستم مسواک بزنم میومدم و تو حیاط وایمستادم و به آسمون خیره میشدم چون تنها بودم و واقعا احساس تنهایی میکردم پیش خودم فکر میکردم واسه خودم خیال پردازی میکردم به چیزای مختلف فکر میکردم.

ولی یکی از بهترین خیالپردازی‌های من این بود که میخواستم همسر ایده‌آلی تو آینده داشته باشم اونقدر به این موضوع هر شب فکر میکردم که دیگه به جزئیات رسیده بودم و به ایده‌آلهایی رو واسه خودم تصور میکردم و خیلی رویایی به این قضیه فکر میکردم و با این موضوع خوش بودم و فقط از فکر کردن به این قضیه لذت میبردم.

واقعیتش فکر میکردم این یه رویاست و محاله همچین همسری بتونم پیدا کنم چون خیلی از خصوصیات رو تو بهترین شرایطش متصور بودم. یعنی یه جورایی به خیلی کمتر از اینها هم راضی بودم. ولی باورتون نمیشه حدود یکسال از این قضایا نگذشته بود که من با خانمی آشنا شدم و همکار شدم که به مراتب از اونیه که اون شبها موقع مسواک زدن بهش فکر میکردم بهتر بود از هر لحاظ. یعنی مثل خواب بود برام. باورم نمیشد. آخه یعنی چی؟ مگه میشه! بعد از چند ماه از آشنایمون با هم ازدواج کردیم و الان بسیار خوشبخت هستیم.

هدف من از تعرف این ماجرا اینه که بهت بگم واقعا باید به قدرت تجسم و تخیل ایمان داشته باشی. چون ناخودآگاهتون اونیه که بهش مدام فکر میکنی و میشه جزئی از وجودت رو جذب میکنه. باور کن جواب میده. این فرمول برای مسائل دیگه زندگی هم تکرار شد. تو رشته تحصیلیم تکرار شد. تو شغلم تکرار شد. تو فرزندم تکرار شد. اگه واسه من جواب داده شک نکن برای تو هم جواب میده. پس تعلق نکن و از این قدرتی که خداوند در وجودت قرار داده و کائنات رو با اون قدرت پنهان، هماهنگ کرده استفاده کن.

منتظر خبر های خوب و موفقیت، تو استفاده از این قدرت بیکران از طرف تو دوست خوبم هستیم هستیم.

اگه تجربه مشابهی داشتی تو بخش نظرات همین مطلب بنویس تا بقیه دوستان هم بخونن و برای اونا هم ایجاد انگیزه بشه تا از قدرت ذهنشون تو تحقق آرزوهاشون استفاده کنن. از لینک زیر میتونی به بخش نظرات دسترسی داشته باشی.
<http://webenik.com/wealthy-mind-poor-mind>

تمرین:

۱۰ دقیقه وقت صرف کن و حداقل ۲۰ تا از رویاهایی که داشتی و داری رو توی دفترچه‌ات یادداشت کن.

از هر کاری که میترسی انجامش بده...

فکر میکنم زمان اون رسیده که از خودت بپرسی برای چی خودتو اینقدر دست کم میگیری؟ برای چی تمرکز زندگیت بر روی کارهایی شده که اونا رو دوست نداری؟ برای چی در بند ترسهایی شدی که خوب میدونی وجود ندارن؟ برای چی با افرادی در ارتباطی که به جای هل دادن تو به سمت جلو دارن تو رو با حرفه‌اشون به زیر میکشن؟ برای چی دوست نداری تغییر کنی؟ دیگه وقتشه از خودت بپرسی برای چی این همه زمانت را هدر میدی در صورتیکه میتونی از اونها بهتر استفاده کنی؟

مگه فرصت زندگی بکبار نیست بیا برای یکبار هم که شده با خودت صادق باش و از گفتن حقیقت به خودت طفره نرو. باید یکبار برای همیشه بندهای ذهنی که باهاتون اجین شده را پاره کنی و از خودت بپرسی آیا هدف از خلق من در بند بودنه؟ همه انسانها ضعف هایی دارن و هیچ کس کامل نیست ولی نباید فراموش کرد هیچ انسانی بدون توانمندی، پا به این کره خاکی نذاشته؛ انسانی وجود نداره که بخواد بگه من تو هیچ کاری استعداد ندارم.

حتی افرادی که باورشون اینه، خوب میدونن که چه چیزی رو میخوان. ولی ترس از شروع، زبان آنها را وادار به دروغ میکنه، دیگه زمان اون فرا رسیده که از خودت بپرسی من واقعا چه چیزی را میخوام، زمان شفاف سازی آرزوی خودت فرا رسیده.



و فقط کافیست که اونو باور کنی، من خوب میدونم که در ذهن افراد بی هدف چی میگذره، آخه خود من هم یکی از اونها بودم ولی حالا میخوام به شما بگم فقط شروع کن. شروع کن چیزی را که میخواهی شروع کن. چیزی را که باور داری شروع کن. تا زمانیکه نفس میکشی چیزی تمام نشده پس از هدف خود کنار نکش شک و دودلی آفت بشریته و پاد زهر شک و دودلی شهامت.

در دنیای انسانها بیشتر چیزها خوب آموزش داده میشن ولی کم پیش میاید کسی بخواد نترسی را به ما آموزش بده. پدر و مادرها از کودکی ما را از بیشتر چیزها ترسانیده اند ولی از شهامت کسی چیزی به ما نگفته است. همیشه به ما گفتن بدنبال دردرس نباش سرت به زیر باشه. ولی هرگز کسی تفاوت دردرسهای خوب و بد را برای ما شرح نداده. کسی به ما نگفته بعضی از دردرسها باعث رشد ما میشن و بدون اونا زندگی پرحسرت خواهد شد؛ کسی از تلاش به ما نگفته واگرهم اشاره کرده باشن بیشترشان اشتباه بوده. همیشه درون خانواده ها حرف از شانس و بخت بوده تا همت و برنامه ریزی.

همیشه دیگران تافته جدا بافته بودن و ما افراد معمولی! از دید خانواده های ما افراد موفق یا بر اثر اتفاق موفق شدن یا توسط افراد دیگر! که ما آنها را نداریم. از دید خانواده های ما؛ به شهرت و یا ثروت رسیدن افسانه است و اگر کسی بتونه اونها را بدست بیاره یا ژنتیکی برتر داره و یا زمینی نیست.

تا به کی میخوای زمان خودتو برای توهمی قدیمی و آشنا که یک روز همه چیز درست میشه هدر بدی؟ تا کی میخواهی منتظر کسی بنشینی که تو رو به موفقیت برسونه؟! تا کی میخواهی منتظر شانس باشی و آنرا باور داشته باشی!؟

تا زمانیکه که تو از درون تغییرات را بوجود نیاری هیچ قدرتی نمی تونه بهت کمک کنه. تا زمانیکه متعهد به کاری نشی هیچ چیز به انتها نخواهد رسید. فکر میکنم زمان آن فرا رسیده که دوباره به خودت بگی هدف از خلق من چیه؟ فکر میکنم زمان آن فرا رسیده که آرامش را بیشتر احساس کنی و برای به دست آوردن زندگی که لیاقتش را داری بجنگی.

جنگیدن برای چیزی که برای توست.

حق توه جنگیدن برای جایگاه خود، نه به زور جای دادن خود در جای دیگران. برای موفق شدن باید کارهایی انجام بدی که دیگران از اون کارها میترسن. باید کارهای متفاوت انجام بدی، اگر تو هم بخوای کارهایی انجام بدی که دیگران انجام میدن، معنیش دیگه موفقیت نیست! دوست من اگر میخوای به موفقیت برسی باید از ترسات رد بشی، تو هم اگر بخوای خودتو دربند ترسات بکنی بدون شک در آینده زندگیت پراز حسرت خواهد بود

از هر کاری که میترسی انجامش بده.

تمرین:

(۱) سعی کن همه ترسها رو یادداشت کنی و دلیلی برای اون ترسها بنویسی.

(۲) مطمئن باش یه رابطه ای بین ترسها و به وقوع نیوستن روایات که تو تمرین قبل نوشتی پیدا میکنی.

از تو دوست خوبم میخوام با مراجعه به لینک زیر نظرات و تجربیات خودتو با دیگر دوستان به اشتراک بگذاری.

دوستانی که در قسمت نظرات ما رو همراهی میکنن ضمن اینکه به بقیه دوستان برای رسیدن به موفقیت کمک میکنند از محصولات و مطالب رایگان بسیار ارزشمندی که تهیه میگردد زودتر از دیگر همراهان سایت مطلع میگردند.

<http://webenik.com>

شروع کن به حرکت و بزرگی خودتو نشون بده

بخوای یا نخوای وجود تو از ذات پروردگاره؛ عظمت درون توست، اما راحت تره که این بزرگی رو در دیگران تماشا کنی؛ این خیلی راحتتره که بخوای بزرگی رو ببینی تا این که زمان صرفش کنی، بخوای انرژی و واسش بزاری، بخوای واسه داشتنش منظم و مقید باشی و از خودت بگذری اینجوری خیلی راحت تره.

واسه همین هم ترجیح میدی معمولی باشی، همش یک جور کار رو انجام بدی یک شغل داشته باشی، همه چیز توی زندگیت مثل قبله، هیچی واست عوض نشده همه چیز شگفت آورده اما مدام داری تصمیم میگیری که معمولی باشی، توی مدرسه ات معمولی بودی، توی محل کارت معمولی بودی، هر کاری که انجام میدی معمولیه، به خاطر این نیست که ذات تو معمولی باشه، بلکه به خاطر اینه که تصمیم گرفتی معمولی باشی؛ خودت انتخاب کردی که معمولی باشی چرا؟



چون آدمای اطرافت معمولی هستن و شاید هم توی یه محیط معمولی بزرگ شده باشی یا رفتی یه مدرسه معمولی یا واسه یه شرکت معمولی کار کردی. پس خودت تصمیم گرفتی

خودت تصمیم گرفتی که بر علیه شگفتی خودت و اصل خودت باشی!

هیچ کس دیگه ای از وجود تو متاسف نیست فقط خودتی که از خودت متاسفی! وقتی مردم تو زندگی به شکست میخورن میشینن زانوی غم بغل میکنن، بقیه هم به آنها نگاه میکنن و دلشون واسشون میسوزه و متاسف میشن. اینجور آدمی نمیکه برن دنبال درست کردن کارخودشون؛ چون هر کسی نمیتونه این کاروانجام بده، این واسه آدمای ترسو نیست این واسه آدماییه که برای زندگی هدف و رویا دارن، رویایی که تصمیم گرفتن بهش برسن، همه فکر میکنن که دنیا و دولت و همه چیز به اونا بدهکارن!

هیچکی بدهکار تو نیست، اگه چیزی میخوای پاشو برو به دستش بیار؛ برو بیرون و به چنگش بیار؛ تنها راهی که داری همینه تو میتونی بزرگ باشی، وارد بازی شو اینقدر وقتت رو تلف نکن؛ این حقته که بینی اگه ۱۰۰ درصد انرژیو بذاری به کجا میتونی برسی. باید به دنبال سرنوشت بدوی، باید بدنبالش بدوی، چون موفقیت هیچ وقت تصادفی نیست و اگه نمیخوایش از سر راهم بزن برو کنار، چون آدمایی وجود دارن که میخوان بازندگیشون کاری بزرگ انجام بدن کسایی که به دنبال موفقیت میدون.

البته انتخابهایی که داریم اینه که یا بیخیال بشیم یا ادامه بدیم. میخوام ازت پرسیم به چی میخوای باور داشته باشی؟ میخوای به خودت باور داشته باشی؟ یا به قضاوت دیگران از خودت؟ میخوام رویات خیلی روشن و مشخص باشه؛ چیزی که وقتی صبح از خواب پا میشی یگراست به سمت رویات قدم برداری.

تا این سن بهش نرسیدم اما میخوام شروع کنم به دویدن میخوام از الان شروع کنم به دویدن، لحظه ای که این حرف رو بگی خودت میخوای که بدوی، وقتی خدا بهت فرصتو نشون داد بدو دنبالش، هر چی بیشتر کار کنی تسلیم شدنت هم سخت تره و این تو تمام جنبه های زندگی صدق میکنه، شروع کن به حرکت جوری که انگار آخرین روز زنده بودنته! من ترجیح میدم برم دنبالش و بدستش نیارم تا اینکه بشینم و هیچ کاری نکنم؛ نمیخوام تا آخر عمرم حسرت این سوال رو بخورم که اگه توی زندگی تلاش بیشتری داشتم چی میشد؟ میخوام با سر برم دنبالش میخواد ته جهنم باشه یا عمق اقیانوس.



چقدر خودتو باور داری؟

اگر کسی تونسته رویاش را به حقیقت تبدیل کنه تو هم میتونی رویات را به حقیقت تبدیل کنی، شاید گاهی انسانها احتیاج دارن که ببینن شخصی اون کار رو انجام بده تا آنها هم بتونن آن را انجام دهند. به این میگن «دیدگاه چشم و دیدگاه ذهن».

دیدگاه چشم اینه که باتوجه به شواهد و مدارکی که میبینی تصمیم میگیری، قضاوت با توجه به ظاهره؛ اما دیدگاه ذهن درک اون چیزیه که میبینی است.

شخصی گفت امکان پذیر نیست همه چیز تمام شده و من دیگه شانس ندارم. نمی تونم اونرو انجام دهم. نمیتوانم به هدفم برسم، بعد از نرسیدن به نتیجه تسلیم شد و تصمیم گرفت که دیگه تلاش نکند؛ اما شخصی دیگه این ذهنیت را داشت که با وجود اینکه او نتیجه ای نگرفته، با وجود اینکه وضعیت اقتصادی کشور خوب نیست، بدون در نظر گرفتن آن چه که روزنامه ها نوشته اند، امکان داره که شخصی در جایی به من یک شانس بدهد پس ادامه داد.

با این تفکر که امکان دارد و تو هم باید همین دیدگاه را در برابر آرزوهات داشته باشی، چرا که اتفاقی در زندگیت خواهد افتاد که هیچ وقت توقع آنها را نداری و در بسیاری از مواقع

تصمیم میگیری که تسلیم شوی این که کار آسان باشد انتخاب شما نیست، زندگی سخت است زندگی واقعا سخته، کنترل وقایع ناگوار زندگی سخته، واقعا سخته؛ وقتی تمام انرژیات رو روی انجام کاری میگذاری و نتیجه نمیگیری، سرمایه خودت و بقیه افراد را به باد میدی.

این داستان رو بخون شاید بیشتر متوجه منظورم بشی.

مردی هنگام بازدید از بیمارستان روانی از روانپزشک پرسید: شما چطور می فهمید که یک بیمار روانی به بستری شدن نیاز دارد یا نه؟
روانپزشک گفت: ما وان حمام را پر از آب می کنیم و یک قاشق چایخوری، یک فنجان و یک سطل جلوی بیمار می گذاریم و از او می خواهیم وان را خالی کند. مرد گفت: آهان فهمیدم آدم عادی باید سطل را بردارد چون بزرگ تر است. روانپزشک گفت نه! آدم عادی درپوش زیر آب وان را بر میدارد... شما می خواهید تختتان کنار پنجره باشد؟

توجه کنید که راه حل همیشه در گزینه های پیشنهادی نیست. همچنین در حل مشکل و در هنگام تصمیم گیری هدفمان یادمان نرود. در حکایت فوق هدف خالی کردن وان است نه استفاده از ابزار پیشنهادی و توجه کنید که همه راه حل ها همیشه در تیر رس نگاه نیستند.

من متوجه شدم وقتی که داری برای آرزوهای تلاش میکنی هر چه انجام آن کار سخت تر باشه موفقیت ناشی از رسیدن به آن شیرین تر است، آن کسی که تو بخاطر انجام آن کار به آن تبدیل می شوی از آرزویت مهم تر است. آن شخصی که میشوی بسیار مهمتره، آن شخصیتی که از خودت میسازی؛ شهامتی که در خودت به وجود می آوری؛ موفقیتی که بدست می آوری؛ همه اینها منجر به این میشه که زمانی که از خواب بیدار میشی و خودت را در آینه نگاه میکنی ببینی که شخصی دیگر هستی و با روحیه ای متفاوت زندگی می کنی.

تو باید به آن شهامت دست یابی آیا میخواهی اون کار انجام بشه؟ همه چیز به تو بستگی داره تو باید انجام آنرا وظیفه و مسولیت خود قرار بدی تا موفق به انجام آن کار شوی؛ باید ایمان داشته باشی، باید خودت را باور کنی، باید تواناییهایت را باور کنی، باید خدماتی که ارائه می کنی شرکتی که اداره میکنی را باور داشته باشی، باید ایمان داشته باشی و این ایمان تو را

صبور خواهد کرد.

آن چه که می خواهی هیچ وقت به آن سرعت که تو می خواهی رخ نخواهد داد؛ آرزوی توست و اگر می خواهی اتفاق بافته باید خودت این کار را انجام دهی، اگر می خواهی انجام بشه بلند شو و انجامش بده، باید کم خوابی بکشی باید زحمت بکشی و دنبال رویاهات بری، امکان برنده شدن وجود داره هر اتفاقی که برات می افته فرار نکن، همانند بیشتر مردم پشتت را به آن نکن، بلکه بر عکس به سمت آن هجوم ببر، اگر می خواهی رویاهات محقق بشه باید همیشه متمرکز باشی، همیشه روی هدفت تمرکز کن؛ در زندگی چه هدفی داری؟

من باید این اعتقاد را داشته باشم که وقتی شرایط نامساعد هستند میتوانم آنها را تغییر دهم.

برای دریافت هدیه رایگان به آدرس زیر مراجعه کنید

webenik.com

آیا به قدرتهایی که خداوند در وجودت قرار داده واقف هستی؟

یه چیزی رو میدونی؟ تو مهم هستی؛ چرا اینو بهت میگم؟ چون هیچوقت باور نکردی، باور نداری و باور نخواهی کرد که مهم هستی؛ تا زمانیکه به ارزش خودت پی نبری هیچ وقت آنگونه که باید از زندگی لذت نخواهی برد.

برام بسیار مهمه که متوجه بشی تو بیش از حد قدرتمندی، به من خوب گوش کن؛ شاید تا بحال کسی بهت نگفته که مهم هستی ممکنه کسی تو چشمت و روح نگاه نکرده باش و

بگه نه تنها تو مهم هستی بلکه قدرتمند هم هستی، اما تنها شنیدن آن کافی نیست.

ازت میخوام آنرا در زندگی خودت بکار ببری، الان میخوام به تو سه اصل بگم و در پایان روز از تو میخوام تو زندگی خودت تغییری بزرگ ایجاد کنی، از تو میخوام در مقابل آینه بایستی و به خود بگی، من مهم هستم.

اصل اول: تا زمانیکه خودت کاری نکنی و نخوای، از زندگی لذت نخواهی برد؛ توهرگونه قابلیت داری هر استعدادی که خواهی، به هرچیزی برای رسیدن، به هدف نهایی خودت دسترسی داری، اما تا زمانیکه از اونها استفاده نکنی، تو میتونی به هر مرحله ای برسی و دست به هر کاری بزنی جلوی آینه بایستی و خودت را فردی بسیار قدرتمند تصور کنی خودت را آنگونه که میخواهی تصور کنی.

اصل دوم: بعد از اینکه باور کردی که بسیار قدرتمند هستی مهارتهای خودتو پیدا کن، برای کاری که خلق شده ای مشغول بشی، کاری که هدف و مقصود ذاتی تو باشه، هیچ کس نخواهد توانست در انجام اون مثل تو بشه، هیچ کس نمیتونه به جایگاه تو دست پیدا کنه، آیا متوجه حرفم میشی؟ تو قدرتمند هستی فراتر از آنکه بشه آنرا اندازه گرفت پس ازت میخوام خودتو باور کنی همین حالا نه فردا نه پس فردا، تو بسیار ارزشمند هستی، تو توقف ناپذیر هستی، در انجام کارهای خودت به طور باورنکردنی بی نظیر هستی، هیچ کس دیگری مانند تو وجود نداره.

مورد آخر: اینکه تو تجربه هایی تو زندگی داشتی که هیچ کس نداشته و این چیزیه که تو رو متفاوت کرده و این چیزیه که تو رو به اون کسی که هستی تبدیل کرده.

ازت میخوام آنگونه زندگی کنی، آنگونه صحبت کنی که نشان بده بسیار قدرتمند هستی؛ زمانیکه به خودت تلقین کنی تا چه اندازه قدرتمند هستی قدرت را با تمام وجود حس خواهی کرد، آینده از آن توست، قدرت واقعی خودت را به دیگران نشان بده، از یکنواختی خارج شو از تو میخوام به شرایط معمولی راضی نباشی.

از تو میخوام که فقط دنبال رسیدن به خوب نباشی، از تو میخوام به دنبال عالی ترین باشی از تو میخوام بی نظیر بشی، گذشته خودت رو فراموش کنی، باقی زندگی خودت رو به بهترین

روزهای زندگی خود تبدیل کنی و شگفتی آفرین باشی.

کلمه ای که تو و زندگی تو را کنترل میکند ...

وقتی این کلمه را میشنوی بسیار هیجان زده و با انرژی میشی. زیرا این کلمه زندگی تو را کنترل میکند. اون کلمه **ایمانه**.

این کلمه بسیار قدرتمنده، به لحظه به آن فکر کن؛ ایمان یعنی اطمینان. اطمینان به اینکه به هر چی ایمان داری به وقوع خواهد پیوست، تو به خیلی چیزها ایمان داری. به آسایش و ثروت ایمان داری، ایمان داری که میتونی خانه ای برای خودت تهیه کنی. همه ما که خواهان موفقیت هستیم برای همه ما که خواهان پیشرفت هستیم برای همه ما که خواهان زندگی کردن رویاهایمان هستیم. باید ایمان داشته باشیم.

اکنون میخوام به راه پیش پات بزارم؛ به این راه می گویند: **فعال سازی ایمان**.

چون باور داشتن به خود به تنهایی کافی نیست؛ اقدام کردن و عمل کردن باعث فعال سازی ایمان میشود؛ درحقیقت تو ایمان داری اما تا زمانی که اقدام نکنی به جایی نخواهی رسید، اقدام و عمل کردن باعث فعال سازی ایمان می شود.

اگر تو در آرایشگاهی کار میکنی نا امید هستی و ده ساله که اونجا کار میکنی و می خواهی پول بیشتری بدست آوری. خداوند میگوید تو باید آرایشگاه خودت را باز کنی. بنابراین باید این گام اول را برداری؛ اگر نه، تو به جایی نمیرسی. ممکنه تو یک شرکت کار کنی، خداوند به تو میگه تو باید شرکت خودت رو راه بیاندازی.

خداوند به تو میگه : تو حرکت کن من هوای تورو دارم و پشتیبان تو هستم؛ اما تو هم باید ابتدا اولین قدم را برداری این تنها راه فعال سازی ایمان توست، تنها چیزی که لازمه تا ایمانت فعال بشه اینه که گام اول را برداری میخوام تو رو تشویق و حمایت کنم تا زمانیکه

اولین قدم را بر نداری ایمانت فعال نمیشود، اما خبر خوب این که هنگامی که اولین قدم را برمیداری خداوند برات دو قدم برمیداره! اگر شما دو قدم برداری خداوند سه قدم برات برمیداره! همه ما به ایمان اعتماد داریم اما نیاز داریم آن را فعال کنیم.

از تو دوست خوبم میخوام با مراجعه به لینک زیر نظرات و تجربیات خودتو با دیگر دوستان به اشتراک بگذاری.
دوستانی که در قسمت نظرات ما رو همراهی میکنن ضمن اینکه به بقیه دوستان برای رسیدن به موفقیت کمک میکنند از محصولات و مطالب رایگان بسیار ارزشمندی که تهیه میگردد زودتر از دیگر همراهان سایت مطلع میگردند.

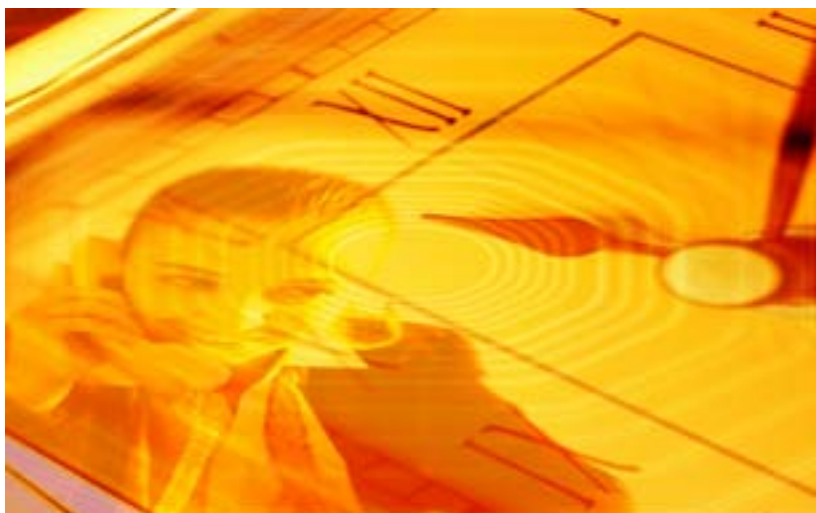
<http://webenik.com>

چند بار تا حالا واژه وقت طلاست به گوشت خورده؟ احتمالاً یک میلیون بار!

آیا تا حالا توجه کردی تنها چیزی که داریم از دست میدیم زمانه؟ آیا تا حالا توجه کردی تنها چیزی که همیشه بدست آورد باز هم زمانه؟ آیا تا حالا کسی بهت گفته که زمان چقدر مهمه؟ آیا تا حالا کسی بوده که بگه چقدر فرصت باقیمونده داری؟
هیچ قدرتی نمیتونه بگه چقدر من و شما فرصت داریم هیچ کس نمیتونه حدس بزنه. هیچ کس نمیتونه پیش بینی بکنه چقدر از عمر من و شما باقیمونده. چطور میتونیم میانیکه اینقدر ارزش داره رو صرف کارهایی بکنیم که دوست نداریم؟ چطور میتونیم این همه از زمان

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

روزمونو صرف کارهایی بکنیم که واسمون بی ارزشه؟ واسه چی اینهمه از زمان زندگیمون رو صرف فیسبوک و اینستاگرام میکنیم؟ آیا نمیتونیم استفاده بهتری بکنیم؟ آیا واقعا پیگیری کردن یه کانال یا یه گروه اینقدر باید واست مهم باشه؟



آیا واقعا ارزش زمان اینقدر پایینه که خیلی از آدمای بیشتر اونو صرف کارهایی میکنن که هیچ ارزشی که نداره هیچ، اعصاب خودشونم بهم میریزن.

دوست عزیز؛ تنها زمان رو با زمان جایگزین کن. هیچ چیز ارزش زمان رو نداره خواهش میکنم در خرج کردن زمانت خسیس باش. تو هیچی اگر خسیس نیستی اگر در خرج کردن خسیس نیستی، سعی کن در خرج کردن زمان خسیس باشی، چند ساعت نشین به فیلم دیدن. تو از فیلم چیزی یاد نمیگیری به اندازه نگاه کن، من نمیگم مهمونی نرو به اندازه برو. کی میتونه روی زمان ارزش بزاره؟

نه دوست من! زندگی یکباره؛ چرا کارهایی رو انجام بدیم که دوست نداریم؟ چرا زمانمونو صرف کارهایی بکنیم که مارو آزار میدن؟ هیچ کس تو رو مجبور نکرده کارهایی رو انجام بدی که دوست نداری؛ از چی میترسی؟ چرا از شکست خوردن میترسی؟ چرا همون شکستارو تو کاری که دوست داری نخوری؟

مگه تو این کارهایی که انجام میدی شکست نمیخوری؟ خیلی آدما شکست رو تو کارهایی که دوستش ندارن میخورن ولی حاضر نیستن شکست رو تو کارهایی که دوستش دارن بخورن! دوست عزیز! اگر دنبال رویات نری اگر دنبال آرزوت نری یک نفر دیگه درست به مانند تو حتی از تو بی‌لیاقت تر، کم‌لیاقت تر، جایگاه تو رو میگیره.

تو برای ماموریتی اینجا هستی تو قدرتمند هستی دقیقا مثل قهرمان زندگیت. هیچ فرقی از لحاظ فیزیولوژی، هیچ فرقی از لحاظ روانی، هیچ فرقی از لحاظ احساسی، با قهرمان زندگیت نمیکنی. فقط کافیه قدرتتو انتخاب کنی. فقط کافیه بخوای. فقط کافیه واسش تلاش بکنی فقط کافیه بگی منم میتونم.

تمکز بکنی رو نقاط قوت خودت، از زمانت درست استفاده بکنی. حتی شده روزی یک ساعت زمان زندگیتو صرف آرزوت بکن. اگر آرزوتو دوست داری واسش زمان بذار. اگر دوستش داری روزی یک ساعت واسش زمان بذار. هیچ وقت کنار نکش، قوی باش. تو تنها نیستی، تو خلق شده توسط خالق قدرتمند هستی. تو هم میتونی. باور کن که میتونی؛ فقط کافیه باورش بکنی.

بذار اینجا یه تعریف از موفقیت از قول برابان تریسی بهت بگم.

**موفقیت رسیدن به هدف نیست! موفقیت گرفتن تصمیم
برای رسیدن به هدف و سپس حرکت کردن به سمت اونه؛**

مانند اون دانش آموزی که در مدرسه نمره های سطح متوسط میگیره ولی در حال تلاش برای رسیدن به نمره های سطح ممتاز و از آنجا که هر چه در توان داره برای انجام این کار میگذاره شخص موفقیه؛ مانند آن شخصی که یک میلیارد تومن جمع کرده و داره تلاش میکنه که این مبلغ را به سطح پنج میلیارد تومن و بیشتر برسونه و این شخص هم شخص موفقیه. هر یک به اندازه خودشون موفق هستن، تفاوتی نداره که در مورد نمره یک شخصی در مدرسه یا میزان دارایی یک بیزینس من باشه.

موفقیت رسیدن پله به پله به یک هدف یا ایده آل است.



من اینجا هستم و میدونم که الان اینجام، من میخوام به جایی برم و میدونم که به اونجا خواهم رسید، نمیدونم چه جوری به اونجا خواهم رسید! اما میدونم که بالاخره به اونجا خواهم رسید.

تو همون موقع که تصمیم میگیری موفق شده‌ای، هر چند چندین بار شکست بخوری. آیا میدونی به کجا میخوای بری؟ آیا تصمیمت را گرفتی که میخوای به اونجا برسی؟ لازم نیست که بدونی چجوری به اونجا خواهی رسید؛ این چگونگی وقتی که به سمت اون نقطه پیش می‌ری نمایان میشه. تا لحظه ای که به اونجا نرسی هیچ وقت نخواهی فهمید که چگونه به اونجا می‌تونی برسی! در نگاه به گذشته است که میتونیم مسیر رفتن به اون نقطه را ببینیم و این نکته بسیار مهمیه. فقط کافیه تصمیم بگیری که به اونجایی که میخوای بری.

آیا کسی که الان هستی نمیتونه تو رو به جایی که میخوای باشی برسونه؟

بین دوست من؛ وقتی چیزی برات ضروری نباشه میزاریش یه گوشه. وقتی توی دانشگاه برات نمره مهمه، میخوای بهترین نمره کلاسو بگیری. اما اگه واست مهم نباشه این نمره ها رو اولویت قرار نمیدی، پس چیزی که باید دنبالش باشی اینه که چجوری میتونی با معنیش کنی، هدفمندش کنی، بخوای که ادامه بدی و وقتی اینو پیداش کنی بهت قول میدم که زودتر از خواب پا میشی، زودتر از همه میرسی و هر کاری که لازم باشه واسه به واقعیت تبدیل شدن خواستت انجام میدی.

پس به تعویق انداختن وجود نداره این یعنی اون مطلب واست اولویت نداره. اصلا مهم نیست در طول سال چیکار میخوای بکنی فقط اینقدر راجع بهش حرف نزن! بهش عمل کن.

باید به جایی برسی که دیگه از حرف زدن راجع بهش خسته شده باشی و میخوای بالاخره دست به کار بشی. دلیلی که تو موفق نیستی دلیلی که مثل ماشین نیستی بخاطر اینه که هر روز یه بهانه ای میتراشی.

باید یه کار انجام بدی، با خودت بگی:

«من آخرین بهانم رو دیروز خاک کردم و تمام!»

آخرین بهانه رو دیروز آوردم که بخوام توجیه کنم. میخوام مثل مرد تمام بهانه ها و توجیه ها و هر چیزی که جلوی انجام دادن کاری که باید انجام بدی رو میگیره رو بندازی پشت سرت. بگی دیروز آخرین روز بی خردی من بوده که پول رو بهانه کنم که بخوای بگی واسه پول نمیری مدرسه یا کامپیوتر بخری که گفته باشی هوش کافی رو نداشتی یا خوب نمیبینی یا خوب نمی نویسی، یا آهنگ ندادی بیرون، تا حالا یا کتاب ننوشتی.

این حرفمو خوب گوش کن دیروز آخرین روز بهانه سازی تو بوده! دیگه تمام. خوب گوش کن؛ دیگه عقبگرد نکن، دیگه خسته نشو و بیخیال نشو. بگو دیگه از حد تحملم رد شده و دیگه نمیخوام فقط حرف بزنم و متنفرم از اینکه کسی بخواد بگه بازم نتونستی. بگی من از ضربه خوردن خسته شدم، از شکست خوردن خسته شدم، بگی دیگه انجامش میدم.

هر باراهداف بزرگی در نظر میگیری ولی بهش نمیرسی به این دلیل که اونا رو به قسمت های کوچیک قابل کنترل تقسیم نمیکنی؛ این صحبت من خطاب به کساییه که عقب میندازن کارشونو. تو هنوز وقت داری، کنار نکش، بیخیال نشو، تو هنوزم وقت داری، میتونی انجامش بدی میتونی. به شرط اینکه به تعویق نندازیش دیگه حرف بی حرف. پس واسه اینکه خوب بره توی ذهنت یه بار دیگه میگم جرات داشته باش و بازم جرات داشته باش که کاری که میخوای رو همین امسال که فرصت داری انجام بده.

هر روز که از خواب بیدار میشی ۲ تا گزینه داری:

یکی اینکه بزنی توی سر ساعتت که داره زنگ میزنه. میتونی راحت زنگ زدنش رو قطع کنی و برگردی خوابت رو ادامه بدی. درست نمیگم؟؟ و بعدش چی؟ بعدش خواب ببینی؟ آره دیگه بعد خواب چیزایی که میخوای داشته باشی رو ببینی، راجع به کسی که میخوای باشی فقط باید خواب ببینی. یا ساعتت رو یه نگاهی بندازی زنگش رو قطع کنی و بری دنبال رویاهات.

اگه هنوزم داری کارت رو به عقب میندازی بسه دیگه، تمومش کن، وقت رو تلف نکن، اینجور نباش که فقط راجع به چیزایی که میخوای فقط حرف بزنی. یه لطفی کن اگه هنوز راجع به رویاها و اهداف حرف میزنی ولی هنوز هیچ کاری نکردی. قدم اول رو بردار:

اولین قدم اینه که دیگه راجع بهش حرف نزنی.

دومیش اینه که به سمتش اولین قدم روبرداری.

اما میخوام ببینم آیا زور اینو داری که ساعت ۳ و نیم از خواب بیدار بشی؟ آیا میتونی برنگردی به رخت خوابت؟ آیا میتونی از جات بلند شی و بری دنبال خواسته هات؟ موضوع اصلی اصلا گذشته نیست. آینده هم نیست. مطلب اصلی اینه که الان چه میکنی؟ میخوام قشنگ بفهمی که ارزشمندی. میخوام جرات کنی و با خودت وقت بزاری تا بتونی خودت رو بشناسی. تا ببینی که کی هستی؟

تا وقتی که فهمیدی؛ کاری کنی که هیچ کس دیگه ای انجام نداده تا آنقدر با ارزش بشی که واسه دیگران به عنوان یه سرمایه حساب بشی، جرات داشته باش و روی خودت سرمایه

گذاری کن. اگه میخوای پول بیشتری داشته باشی، اگه میخوای موفق تر باشی، اگه میخوای کارایی انجام بدی و چیزایی داشته باشی که تا حالا انجام ندادی و نداشتی. ازت میخوام که روی خودت سرمایه گذاری کنی. اگه واقعا میخوای خودت باشی و به خودت تکیه کنی و زندگی خودت رو به شرایطی ببری که تا به امروز نبرده بودیش،

خواهش میکنم خودتو بشناس.

میخوام تو رو به چالش خوندن یک کتاب درهفته دعوت کنم. به چالش رفتن به کنفرانسهای مختلف. به چالش سرمایه گذاری روی ذهن خودت دعوت میکنم. به من گوش کن: اگه میخوای توی زندگی به جایی برسی باید تبدیل به آدم اون شرایط بشی. چون وقتی به آدم مناسب اون شرایط تبدیل بشی حرف خودت رو ثابت کردی و ارزش خودت رو نشون میدی. تو با هدف خاصی به وجود اومدی، تو طراحی خاص خودت رو داری، اصلا مهم نیست که پدر و مادرت تو رو قبول داشتن یا نه؛ تو هنوزم خاص هستی، اصلا مهم نیست که توی زندگی پدر نبوده، مادر نداشتی **تو هنوزم ویژه ای.**

تو واسه انجام کاری به وجود اومدی که دیگران نمیتونن انجام بدن. وقتی به اونی که باید، تبدیل بشی، کاری که باید انجام بدی اینه که خودتو از بقیه جدا کنی، اینجوری شروع میکنی به فهمیدن اینکه توی چه چیزایی تکی.

منظورم از آدم درست اینه که وقتی خودت رو بشناسی و خودت رو از جمعیت جدا کنی و شخصیت خودت رو بفهمی، وقتی استعدادهای خودتو کشف کنی، وقتی مهارتهای شخصی خودت رو بدونی، وقتی به کسی که هستی تبدیل بشی و وقتی به کسی تبدیل بشی که واسش خلق شدی، به چیزی تبدیل بشی که واسش طراحی شدی، وقتی که مستقل بشی کاری که انجام میدی اینه: خودتو جدای از دیگران نگه میداری، واسه اینکه به چیزی که باید تبدیل بشی باید به آخرین سطح ارزشی که داری برسی. بعضی اوقات کسی که الان هستی نمیتونه تو رو به جایی که میخوای باشی برسونه.

تمرین:

۱) یک لیست از کارها و قدمهایی که تو رو هر روز به اون زندگی که دوست داری نزدیک تر میکنه بنویس.

۲) دقت داشته باش که این لیست میتونه شبیه یه برنامه باشه که مثل عادات روزانه هر روز اونارو انجام میدی. پس تو تهیه اون دقت کن.

از تو دوست خوبم میخوام با مراجعه به لینک زیر نظرات و تجربیات خودتو با دیگر دوستان به اشتراک بگذاری.

دوستانی که در قسمت نظرات ما رو همراهی میکنن ضمن اینکه به بقیه دوستان برای رسیدن به موفقیت کمک میکنند از محصولات و مطالب رایگان بسیار ارزشمندی که تهیه میگردد زودتر از دیگر همراهان سایت مطلع میگرددند.

<http://webenik.com>

حالا بعد از این همه کار که باید انجام بدی تا موفق بشی؛ یه کار هست که نباید هیچ وقت انجامش بدی!!

ازت میخوام از همین امروز، یه تغییر تو خودت بوجود بیاری؛ شاید یه مقدار سخت باشه چون بهش عادت کردی و جزئی از شخصیت شده.

امروز نق زدن و غر زدن رو بزار کنار؛ چرا اینقدر بعضیا نق میزنن؟ چرا اینقدر غر میزنن؟ چرا از همه چی ایراد میگیرن؟ اگر تو هم اینطوری هستی بزارش کنار، چون هیچ فایده ای نداره، زندگیتو سیاه کرده، تاریک کرده، زندگیتو پر حسرت کرده؛ زمیانیکه غر زدن رو نق زدن و بزاری کنار، غصه خوردنو بزاری کنار، اون موقع متوجه میشی زندگیت چجوری تغییر میکنه، چقدر سریع تغییر میکنه، گذشته بدی داشتی، منم داشتم؛ کی نداشته؟ هممون گذشته تلخی داشتیم خاطرات تلخی داشتیم یکی بیشتر، یکی کمتر، بالاخره بوده، میخوای چیکار کنی؟ نه واقعا میخوای چیکار کنی؟

اگر میخوای زندگی بکنی باید اونارو فراموش کنی، نق زدنو بزار کنار، غر زدنو بزار کنار، از چیزهایی که توی زندگیت هستن، اینقدر ایراد نگیر؛ چرا اینقدر فکر میکنی زندگی تو با دیگران متفاوته؟ چرا دیگرانو واسه خودت خوشبخت کردی، من وارد زندگی آدامای خوشبخت زیادی شدم؛ اونا اونقدر که ما فکر میکنیم خوشبخت نیستن اونا اونقدر که ما فکر میکنیم موفق نیستن اینقدر دیگرانو واسه خودت تافته جدا بافته نکن.

تو هم میتونی مثل اونا بشی؛ تو میتونی خیلی بهتر از اونا بشی؛ غر زدنو بزار کنار، نق زدنو بزار کنار، اگر چیزی حالتو بد میکنه، اگر چیزی افسردت میکنه، اگر چیزی ناراحتت میکنه، انجامش نده؛ اگر موزیکی تورو افسرده میکنه؛ تو رو ناراحت میکنه؛ گوشش نده، اهمیت نده کی خلقش کرده بتهون یا خواننده داخلی، اهمیت نداره، گوشش نده؛ اگر رفیقی تو رو ناراحت میکنه، تو رو افسرده میکنه، تو رو ناامید میکنه، باهش رابطه نداشته باش؛ هیچ کس تورو مجبور نکرده که با این انسانها رابطه داشته باشی، با انسانهایی که یک ریزغر میزنن، نق میزنن از همه چیز ایراد میگیرن، بارون میاد میگن چرا! برف میاد میگن، هوا سرده، هوا گرمه،

با این آدما رابطه نداشته باش، اگر خودتم اینجوری هستی؟ بزار کنار، چرا؟ چون داری زندگیتو از دست میدی؛ هیچ کس دلش به حال تو نمیسوزه به جز خودت، زندگی بیرون زندگی سخته، برو بیرون، برو بیرون، دست بزن به کار رویایت؛ اونایی که دارن کار رویایی تو رو انجام میدن، مثل تو هستن، اینو باید باورش بکنی.

یک روز قهرمانای زندگیت کسایی که حسرتشونو میخوری، هیچ فرقی باتو نمیکنن، هیچ فرقی نمیکنن؛ غر زدن و نق زدنو بزار کنار، حسادتو بزار کنار، واسه خودت باش، واسه خودت زندگی کن، بگو این زندگی منه این حق منه، من ناخدای کشتی زندگی خودم هستم، به کسی ربطی نداره من دارم چیکار میکنم، من دارم واسه آرزوم میجنگم، دیگه غر نمیزنم نق نمیزنم و همون زمان و همون انرژی رو واسه کار رویاییم صرف میکنم، من هم میتونم به موفقیت برسم چون لیاقت موفقیت رو دارم، چون هیچ چی کم ندارم، من هم لایق بهترینها هستم .

تمرین:

سعی کن از امروز هیچ وقت تحت هیچ شرایطی غر نزنی و تعداد این کارو در طول روز به صفر برسونی. ترک همین یه عادت تورو به مثبتترین و با روحیهترین شخص تو اطرافیان تبدیل میکنه.

بهترین راه ، تنها ترین راه، امن ترین راه، برای رسیدن به موفقیت چه راهیه ؟

اگر از من پرسن بهترین راه ، تنها ترین راه، امن ترین راه، برای رسیدن به موفقیت چه راهیه؛ تنها پاسخ من **اراده** است.

اراده. تنها پاسخ من اراده است؛ اراده بهترین راه برای رسیدن به موفقیت، اراده بهترین راه برای رسیدن به خواسته است، کسانی که اراده‌های آهنین دارن به هر چیزی که دلشون بخواد میتونن برسن، کسانی که اراده های محکم دارن، اراده میکنن سیگارو ترک میکنن، اراده میکنن به وزن ایده آلهون میرسن، اراده میکنن از وضعیت کنونی خودشونو نجات میدن، اونها به موفقیت میرسن، افراد ضعیف اراده های قوی ندارن، اونها هم میتونن اراده قوی داشته باشن ولی به خودشون باور ندارن، فکر میکنن نمیتونن اراده داشته باشن،

فکر میکنن داشتن اراده برای انسانهای متفاوت؛ اراده رو هرکسی میتونه بدست بیاره ، با هرتوانی با هر محدودیت و معلولیتی، اراده دست یافتنی، هر کسی میتونه اراده بکنه هرکسی میتونه به خواستش برسه، هر کسی میتونه باور خودشو نسبت به خودش افزایش بده، مختص من و دیگران نیست مختص انسانهای پولدار و موفق نیست.

همه میتونن اراده‌های قوی داشته باشن، همه میتونن به موفقیت برسن؛ همه میتونن محکم باشن همه میتونن وضعیت کنونیشونو تغییر بدن، همه انسانها این قابلیتو دارن ژنتیک خاصی نیست، ژنتیک برتری نیست، موقعیت جغرافیایی نمیشناسه؛ اگر تو اراده بکنی میتونی بهش برسی فقط کافیه باورش داشته باشی، فقط کافیه به قدرت خودت باور داشته باشی.

تو هم میتونی به خواستت برسی ؛ فقط کافیه اراده داشته باشی اراده بکنی که چه چیزی میخوای و اسش جونتو بدی، هر چیزی هست بدی، ولی ازش دست نکشی، بگی من میخوامش، هر جور شده بدستش میارم هیچ کس نمیتونه رای منو بزنه، من قدرت دارم من جزیی از وجود خداوند هستم؛ در روی زمین؛ من اشرف مخلوقات هستم؛ من میتونم اراده کنم.

من میتونم باور داشته باشم تو هم میتونی، تو قدرتمند هستی، به خودت باور داشته باش اراده

کن، از همین حال اراده کن هدف تو پیدا کن، بگو من بدستش میارم اهمیت نداره چه اتفاقی میافته، اهمیت نداره دیگران دربارم چی میگن، من بدستش میارم باید بتونم.

اصل اقدامات کوچک:

یکی از بزرگترین اشتباهاتی که مردم مرتکب میشن اینه که تصمیم میگیرن به طور ناگهانی تغییراتی بزرگ ایجاد کنن! میدونی چه اتفاقی میافته؟ اونا به سختی شکست میخورن!! لطفا برداشت بدی از حرف من نکن، خواسته من اینه که تو اهدافی بزرگ و ارزشمند برای خودت مشخص کنی، بعدش مسیر رسیدن به آنها را برای خودت تعیین کنی، اما پس از آن باید اهداف خود را فراموش کنی و دیگه در مورد پایان این مسیر فکر نکنی!

دیگه نباید به عظمت و سختی اهداف خودت فکر کنی! چرا؟ چون این کار در واقع بهت آسیب می زنه و تو رو از رسیدن به اونها باز میداره؛ زمانی که ذهن انسان در شرایطی پر فشار قرار بگیره متوقف میشه زمانی که تو به اهداف یا مشکلات خودت فکر میکنی، ذهن تو نیز در شرایطی مشابه قرار خواهد گرفت. یعنی زمانی که نمی دونه باید چه عکس العملی نشان بده! متوقف میشه و مشغول به کارهای جانبی و متفرقه میشه.

برای مثال مشغول چک کردن ایمیل میشه، صفحه فیسبوک را چک میکنه، اشتباهی بزرگ که انسانها مرتکب می شن اینه که همیشه این نصیحت اطرافیان را که میگن: «هر روز صبح آرزوهای خود را یادآوری کنید» گوش میدن چنین نصیحتی بسیار اشتباهه است! چنین کاری مغز را تحت فشار و استرس بسیار زیادی قرار میده.

اهداف تو خیلی بزرگ هستن برای رسیدن به آنها عجله داری و ممکنه جاه طلبانه باشه و دقیقا چنین چیزی برای ذهن مشکل ساز خواهد بود؛ چنین شرایطی دلهره آورده و ذهن را تحت فشار و استرس قرار میده، زیرا اهداف در آن لحظه دست نیافتنی به نظر خواهند رسید و ذهن در آن لحظه راه دستیابی به آنها را نمی داند بنابراین متوقف میشه و یا درگیر فعالیتهای جانبی میشه تا حواس تو را به گونه‌ای پرت کنه؛ اما در واقع چنین فعالیتهایی باعث ایجاد استرس و حس عدم موفقیت در تو خواهد شد.

اغلب انسانها زندگی خود را اینگونه و در چنین شرایطی سپری میکنن، آنها هیچ وقت نمی تونن بفهمن چرا نمی تونن به اهداف بزرگ خود دست پیدا کنن، علی‌الخصوص اهدافی که توانایی دست یابی به آنها را دارن و یا اهدافی بزرگ که در واقع بسیار کوچک‌تر از حد توانایی آنها هستن و اگر استقامت نشان میدادن می تونستن به اونها دست پیدا کنن، وقوع چنین شرایطی به این دلیل که مرور مداوم اهداف بزرگ ذهن آنها را فلج میکنه. خوب اینجا حتما ازم میپرسی پس چیکار باید بکنم؟

پس اگه به اهدافمون فکر نکنیم پس چیکار کنیم؟

دوست من جواب سوال اینه که به نتایج و پاداش و خوشی که از رسیدن به اون اهداف عایدت میشه فکر کنی؛ یعنی چی؟ یعنی این که مثلا، شما هدف گذاری کردی یک کارخونه تاسیس کنی با فلان قدر تولیدات؛ هر روز نشین به تاسیس کارخونه و سختی هایی که تو مسیر تاسیس کارخونه، تجهیز کارخونه، گرفتن وام، استخدام پرسنل و ... خواهی داشت فکر کنی. بلکه به امتیازات و سود و ثروت و رفاهی که از رسیدن به این هدف عایدت میشه بیاندیش و هر روز فقط به قدمی که برای اون روز در نظر گرفتی فکر کن و بهشون عمل کن.



بیایید به شرایطی را در نظر بگیریم:

فرض کنید شما باید از هزار پله بالا برید و هر روز صبح پس از بیدار شدن در مقابل راه پله قرار میگیری و بالا را نگاه میکنی؛ ترس وجود شما را فرا میگیرد و به خودت میگی، بالا رفتن از آن به نظر امکان پذیر نیست؛ حتی با نگاه کردن به اون احساس خستگی میکنی و در نتیجه انگیزه خودت رو از دست میدی، حتی اگر دچار استرس و احساس عدم توانایی نشوی در چنین شرایطی ذهن شما سعی میکنه حواس شما را متوجه کارهای جانبی کنه و می گه شاید بهتر باشه که اول صبحانه بخورید، برای قدم زدن برید و یا قبل از شروع چنین کار عظیمی، اول اتاق خود را و میز کارت رو مرتب کنی.

اما ازت میخوام به جای فکر کردن به نقطه پایان اولین قدم را برداری و به هیچ وجه به بالا نگاه نکنی، دلیلی وجود نداره که با فکر کردن به نقطه پایان خودت رو تو شرایط استرسزا قرار دهی، تنها کاری که باید بکنی اینه: به اولین قدم نگاه کن و آنرا بردار.



به همین سادگی انجام چنین کاری آسونه، به هیچ وجه استرس زا نیست و خسته کننده نیست، برداشتن تنها یک قدم هیچ مشکلی به وجود نمی آورد سپس، باقی مانده روز را فرصت داری تا دو قدم دیگر را برداری تنها سه قدم کافیه و هر مرتبه یک قدم بردار، چنین کاری را هر کسی میتونه انجام بده، فردا زمانی که از خواب بیدار می شی باید چکار کنی؟ آیا باید دوباره به مقابل پله بری به ۹۹۷ پله ای که باقی مانده فکر کنی؟ نه به هیچ وجه نباید چنین کاری بکنی، نباید قبل از رسیدن به هدف خود به کل راهی که باید بپیمایی فکر کنی نه چنین کاری نکن، پس باید چکار کنی؟

جواب اینه: تنها کافیه یک قدم برداری، یک قدم بسیار آسون و راحت، حتی میتونی این کار را قبل از خوردن صبحانه، شستن لباسها، بررسی نامه ها و ختی قدم زدن انجام بدی، با برداشتن اولین قدم یک سوم اهداف روزانه خود را انجام داده ای تلاش بسیار اندکی لازمه؛ استرس بسیار کمی به شما وارد خواهد شد اما منجر به پیشرفت عظیمی برای دست یابی به اهداف خواهد شد. اتفاقی که خواهد افتاد اینه دوشنبه سه قدم برخواهی داشت سه شنبه ۳ قدم و ...

هفته به هفته ماه به ماه؛ سپس زمانی که به خودتان می آیی می بینی که در ماههای پایانی سال هستی و تصمیم میگیری به بالا نگاه کنی و بینی که چقدر راه هنوز باقی مانده است

در آن لحظه با تعجب متوجه خواهی شد که مدت‌هاست که هزار پله را تمام کرده ای و الان در موقعیتی هستی که در گذشته قادر به تصور آن نبودی. نه تنها از هدف خود پیشی گرفته ای بلکه انجام آن برای شما آسان و بدون هر گونه استرس بوده است.

نیازی نیست به بالا نگاه کنی نه تنها فکر کردن به نقطه پایانی به شما کمکی نخواهد کرد بلکه شما را آزار خواهد داد اگر مقصد و هدف بزرگ خود را مشخص کنی و راه رسیدن به آن را برای خود مشخص کرده‌ای به معنای دیگر اگر تک تک پله‌ها را برای خودت مشخص کرده ای دیگر نیازی نیست که به نقطه پایان فکر کنی تنها کافیه در هر بار یک قدم برداری به جای اینکه ذهن خود را درگیر سختی و عظمت پیمودن هزار پله در طول روز کنی تنها کافیه ذهن خودت رو بر روی پیمودن یک پله متمرکز کنی که کاری بسیار راحت‌تره. سپس زمانی که آن پله را پیمودی می‌تونی سراغ پله بعدی بری.

بیشترین کاری که هر روز صبح باید انجام بدی اینه که تنها به سه قدمی که باید در آن روز برداری فکر کنی تنها همین. سپس بلافاصله اولین قدم را بردار.

بنابراین هیچ وقت به بیست کیلو وزن کم کردن فکر نکن تنها کافیه وعده غذایی آن لحظه خود را درست انتخاب کنی. به افزایش پنجاه درصدی فروش خود فکر نکنی تنها کافیه تلفن را برداری و فروش بعدی خودت رو انجام بدی. به متحول کردن رابطه خود فکر نکن، تنها کافیه جمله ای زیبا و سرشار از محبت روی یک تکه کاغذ بنویسی و آن را روی آینه همسرتان بچسبانی. به پراخت کلیه بدهکاری خود فکر نکن تنها کافیه امروز مبلغی اندک پس انداز کنی.

به نوشتن کتابی دویست صفحه ای فکر نکن تنها کافیه سه جمله قبل از صبحانه بنویسی. اتفاقی که می‌افته مانند جادوست، زیرا اقدامات کوچک که به نظر بی‌ارزش و آسونه قدم به قدم در نهایت جمع میشن و منجر به موفقیت و پیشرفتهای بزرگ و الهام بخش خواهند شد.

از تو دوست خوبم میخوام با مراجعه به لینک زیر نظرات و تجربیات خودتو با دیگر دوستان به اشتراک بگذاری.

دوستانی که در قسمت نظرات ما رو همراهی میکنن ضمن اینکه به بقیه دوستان برای رسیدن به موفقیت کمک میکنند از محصولات و مطالب رایگان بسیار ارزشمندی که تهیه میگردد زودتر از دیگر همراهان سایت مطلع میگردند.

<http://webenik.com>

اصل آخرین قدم و سخت ترین قدم:

فقط به امروز فکر کن آیا واقعا میتونی امروز را سپری کنی؟ این جملات را تکرار کنی.

من میتونم. من این کار را خواهم کرد. من باید این کار را انجام دهم.
من میتونم من این کار را خواهم کرد من باید این کار را انجام دهم.

هدفم اینه که این جمله را تکرار کنی و با تمام وجود فریاد بزنی، هر مشکلی که داری هر مساله ای که تو رومایوس کرده، میگی دیگه توانایی تحمل یه شکست دیگه رو ندارم، نمی تونم حتی یه روز دیگه با این شرایط کنار بیام، نمی تونم حتی یه روز دیگه این شرایط رو تحمل کنم.

با من این جمله را تکرار کن؛ اونرو خوب درک کن و با تمام وجود فریاد بزنی. میخوام با هم به اون جمله، زندگی ببخشیم در هر شرایطی که هستی با من تکرار کن، من میتونم، جمله را با تمام وجود حس کن، من میتونم به خودت بگو من میتونم از پس این مشکل بریام، ازت میخوام به مشکلی که تو زندگی داری فکر کنی و بگی من میتونم از پس اون بریام، میتونم اونو حل کنم.

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

اونو حل خواهیم کرد، باید اونو حل کنم، باید به خاطر فرزندانم اون مشکل را حل کنم، باید به خاطر خانواده‌ام اون مشکلو حل کنم، هنوز فرصت دارم، زندگی من هنوز تمام نشده به اون امتحانی که برای مرتبه سوم تو اون رد شدی فکر کن و این جملات را با تمام وجود فریاد بزن.

بدون در نظر گرفتن شرایطی که با آن روبرو هستی باید همیشه به خودت بگی من میتونم از پس این مشکلات بریام، بعضی مواقع تنها کاری که باید بکنی اینه که دووم بیاوری و تحمل کنی، برای بدست آوردن بعضی چیزها در زندگی احتیاجی به تحصیلات، پول، حمایت

دیگران، نداری، بعضی مواقع تنها باید به خودت بگی، من از پس این مشکلات بر خواهم آمد، من هم بهت میگم تو میتونی موفق بشی؛ اما باید تحمل کنی دووم بیاوری و ادامه بدی، افراد زیادی مانع تو خواهند شد تنها باید مصمم باشی و به خودت بگی ممکنه من به اندازه دیگران باهوش نباشم قوی نباشم، اما تصمیمم رو گرفتم و از پس این مشکلات بر خواهم آمد.

اینجا میخوام یه اصل رو بهت یاد بدم که همیشه به خاطر داشته باشی و همیشه بکار ببندی.

اون اصل اینه: درست در آخرین قدمی که میخوای موفق بشی و به خواستت برسی، بزرگترین مشکلات پیش میاد و خیلیا درست تو اون لحظه و لحظه آخر تسلیم میشن.

اون داستان «**۹۰ سانتی متری طلا**» رو یادت میاد؛ در روزگاری که همه در اندیشه طلا بودند یکی از عموهای داربی گرفتار تب طلا شد. راهی غرب شد تا با حفاری زمین به ثروت برسد. او هرگز نشنیده بود که در مغز انسان طلایی به مراتب بیش از آنکه او از زمین بیاورد وجود دارد.



او با اخذ اجازه نامه با بیل و کلنگ سرگرم کار شد. بعد از هفته ها کار طاقت فرسا به کلوخه های براق طلا رسید. اکنون وسیله ای نیاز داشت که این کلوخه ها رو از دل خاک بیرون بکشد بی آنکه کسی متوجه بشه روی معدی را پوشاند و عازم شهر شد تا موضوع را برای بستگان و برخی از همسایه ها بازگو کند و آنها دور هم جمع شدند و پول خرید دستگاه حفاری را تدارک دیدند آنرا خریدند و به محل معدن طلا بردند. آنها سرگرم کار شدند و نخستین کامیون کلوخه ها را به کوره مذاب و استخراج طلا فرستادند و معلوم شد یکی از غنی ترین معادن کلرادو را یافته اند. حمل چند کامیون کلوخ طلا کافی بود تا همه بدهی های آنها را پاک کند و نوبت به سود کلان رسید.

مته های حفاری رمین را میشکافتند؛ امید داری و عمویش بیشتر می شد تا اینکه اتفاقی افتاد رگه های طلایی بی مقدمه ناپدید شدن. آنها به پایان رنگین کمان رسیده بودن از معدن طلا دیگر اثری نبود. به کندن زمین ادامه دادند مایوسانه می خواستند رگه طلا را از نو بیابند اما موفق نشدند.

سرانجام تصمیم گرفتند که دست از کار بکشند. دستگاه حفاری را به چند صد دلار فروختند و با قطار به دیارشان برگشتند کسی که دستگاه را خریده بود از یک مهندس معدن خواست تا به معدن نگاهی بیاندازد و برای او محاسبه کوچکی بکند. نظر داد که پروژه حفاری معدن

از آن جهت شکست خورده بود که صاحبان آن به کار معدن و اصول حاکم بر آن آگاه نبودند.

تحقیقات مهندس مزبور نشان داد که رگه طلا ۹۰ سانتی متری از محلی که خانواده داربی کارشان را متوقف کرده بودند از نو پدیدار خواهد شد و دقیقا این اتفاق افتاد کسی که دستگاه حفاری را خریده بود میلیونها دلار ثروت انباشت کرد.

او به حقیقت مهمی توجه نکرده بود یکی اینکه درست تو لحظه آخر که نزدیک به موفق شدنی، یه مشکل بزرگ پیش میاد اونایی که اون مشکلو حل میکنن به موفقیت میرسن. البته داربی مدتها بعد جبران زیان خود را کرد. او به ثروتی بیش از اینها دست یافت و این زمانی بود که به کشفی بزرگ نائل آمد. او فهمید که اشتیاق میتواند به طلا تبدیل شود داربی به کار فروش بیمه عمر مشغول شد داربی که میدانست به دلیل آنکه در ۹۰ سانتی متری طلا کارش را رها کرده بود و سود کلانی را از دست داده بود با خود گفت: من در ۹۰ سانتی متری طلا متوقف شدم.

اما از این به بعد وقتی به اشخاص رجوع میکنم و از آنها جواب نه میگیرم تسلیم نمیشوم. او پیروزی خود را مدیون شکستی می داند که در کار استخراج از معدن طلا متحمل شده بود. او میداند که قبل از موفقیت باید شکستهای موقتی را پذیرفت وقتی سایه های شکست از راه میرسند ساده ترین و به ظاهر منطقی ترین اقدام دست کشیدن از فعالیت است و این اقدامی است که نصیبشان شده است میکنند.

دوست من؛ اغلب افراد موفق که این شرایطو تجربه کردن و موفق شدن، میگن:

بزرگترین موفقیت اونا یک قدم جلوتر از جایی که شکست خورده بودن بدست اومده.

این شرایط بسیاری از انسانهاست. میدونی چرا بیشتر کسانی که تو شرایط مشابه بودن موفق نمیشن؟ آیا میدونی چرا اکثر مردم هیچ گاه موفق نمیشن؟ به دلیل اینکه تسلیم میشن، اون شخص چند قدمی طلاها بود اما تسلیم شد، اگر میخواستی تسلیم بشی بهتر بود از اول تسلیم می شدی و اصلا سراغ این کار نمیرفتی تا وقت خودت را هدر ندی. راه بدست آوردن بعضی چیزها در زندگی اینه که تصمیم بگیری و هیچ وقت تسلیم نشی،

شکست تو دلیل بر بازنده بودن تو نیست تنها کاری که باید بکنی اینه که هیچ وقت تسلیم نشی و ادامه بدی، تو میتونی از پس مشکلات خودت بریایی، تنها کافیه کمی بیشتر تلاش کنی، من نمیتونم بهت بگم چکار کنی؛ اما در هر صورت تسلیم نشو و فقط در اینصورتیه که هیچ کاری نیست که نتونی انجام بدی، اگر موفقیت آسون بود همه می توانستند موفق شوند.

میخوام برات داستان یک ایمان، داستان یک باور رو برات تعریف کنم. شخصی که میخوام قصه شو براتون بگم یکی از آشناهای دورمونه. این شخص الان یکی از ثروتمندترین موفق ترین و سخاوتمندترین کساییه که میشناسم. الان اونقدر وضعش خوبه که واقعا اصطلاح توپ تکونش نمیده در موردش صادقانه. تو یوسف آباد خونه داره تو منیریه چندین مغازه و دفتر داره

تو کیش چندین فروشگاه بزرگ، هتل و چیزای دیگه که ن خیلایشونمیدونم. اما از اول که اینجوری نبود. یه وقتی تو شهرشون زنجان بوتیک داشت و بخاطر نداشتن پشتوانه و تجربه ورشکست شد و مجب.ر شد مغازشو ببنده و بیاد تهران.

نه اینکه اونجا نمیشد موفق شد و توی تهران میشد. اونجا طلبکاراش دیگه نمیداشتند کار کنه و اگه میموند قطعا به زندان میافتاد. اما این شخص بسیار آدم خاصیه. بسیار آدم امیدوار با ایمان و با باور قوی نسبت به خودش. بعد از این شکست اونجور که خودش برام تعریف کرده با خودش میگه من باید از اول شروع کنم حق اینایی که پولشونو دادن که من باهاش کار کنم باید پس بدم. دوباره همه چی رو میسازم.

شاید هر کس دیگه جای اون بود تسلیم میشد و با خودش میگفت من اینکاره نیستم و میرفت دنبال کار خودش. اما اومد و از صفر شروع کرد. اومد از یه آشنایی لباس میگرفت و میرد دستفروشی میکرد خودش میگه مدتها اینکار میکرد بعد میره توی مغازه شاگردی میکنه شبا کارای دیگه میکرده مثل دوخت و دوز و اینا. خلاصه کنم اینقدر تلاش میکنه و شب بیداری میکشه که یه مغازه اجاره میکنه و شروع میکنه به راه اندازی دوباره کسب و کار خودش.

یه مدت میره کیش و بالاخره یواش یواش خودشو بالا میکشه اول میره تمام بدهی هاشو تو شهرشون میده و بعدشم که بهتون گفتم. به اینجایی که الان هست میرسه. خودش از سختیایی که کشیده بی پولی هایی که کشیده بارها برام تعریف کرده. داستان این مرد داستان اراده ایمان و باور به خودش. میگه تو تمام این سالها یه لحظه به خودش و قابلیتاش شک

نکرده. دوست من همین امروز هدف تو مشخص کن و به خودت ایمان داشته باش که میتونی به این هدف برسی و بعد برای رسیدن به اون هدف با تمام وجود تلاش کن. ببین چه جوری در عرض ۵ سال به موفقیت و ثروت میرسی مثل همین آشنای من. یه چیزیم به گفته هام اضافه کنم که این شخص بسیار آدم سخاوتمدیه و به هر کسی که تونسته کمک کرده که اونم بتونه کسب و کارشو شروع کن و الان شاید بالغ بر ۵۰-۶۰ نفر از کنارش نون میخورن و دعا گوش هستن. تا میتونه میبخشه و به بقیه کمک میکنه.

بزرگترین دروغ دنیا میدونید چیه؟

اینکه بهت گفتن اگه آرزوهاتو بنویسی و روش تمرکز کنی و قانون جذبو روش پیاده کنی و همه فکر و ذکر بشه اون آرزوت؛ حتما بهش میرسی!! بله این جمله درسته ولی همه ماجرا نیست. همه اینایی که گفتیم، اگه تلاش نکنی به جایی نمیرسه . دوست من زندگی تجربه ایه که فقط یکبار اتفاق میافته؛ بلند شو و با تلاش وعزم راسخ زندگی تازه‌ای رو شروع کن. شکست خوردن مایه شرمساری نیست؛ بلکه شرمساری ماله کساییه که تلاش نمیکنن.

یه سوال؛ فردا از انجام ندادن چه کاری پشیمون خواهی شد؟ حتما این جمله معروف رو شنیدی که میگه:

۲۰ سال بعد، تو از کارهای اشتباهی که کردی پشیمان نخواهی شد؛ پشیمانی تو بابت کارهایی که میخواستی بکنی ولی نکردی.

چیزایی هست توی این زندگی که راحت بدست نیما؛ باید واسه رسیدن بهشون سختیا بکشی، تلاش بکنی؛ هدفی که انتخاب کردی خیلیم خوبه، ولی خوب؛ فکر کردی فقط خودت تنها کسی هستی که میخوای بهش برسی؟ فکر کردی فقط خودتی میخوای پولدار بشی؟

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

فقط تویی که میخوای توی تیم ملی بازی کنی؟ توی یه دانشگاه خوب درس بخونی؟ رئیس یه جایی بشی؟



واسه رسیدن به این هدفت من یه سوال دیگه ازت دارم؛
حاضری چه چیزایی رو واسش فدا کنی؟ حاضری از چه چیزایی بگذری؟ تا بری تو تیم ملی،
بری دانشگاه خوب، حاضری چه سختیایی بکشی؟
بدون؛ توی این راه رقیب، حریف، دشمن، حالا هر چی اسمشو میزاری، زیاده؛ چون هدفی
که انتخاب کردی خیلی خوبه.

دقت کن عقیده بقیه نباید تبدیل بشه به تفکر تو، به هدف تو؛ تو که واسه مردم زندگی

نمیکنی؛ اصلاً به تو ربطی نداره مردم با چی خوشحال میشن. توی راهت اینقدر آدم هست که بخواد متوقف کنه.

من نمیگم دوست و رفیق نداشته باشی. اتفاقاً ایده هاتو با نزدیکترین دوستات درمیان بزار. باهاشون صحبت کن، ازشون مشورت بگیر، کمک بگیر، ولی نزار حرفای اونا اگه میترسن، اگه میگن شکست میخوری، توی عقیدت تاثیر بزاره؛ ایمان داشته باش که واسه این کار ساخته شدی، ایمان داشته باش که آخرش موفق میشی، که هر شکست پله ایبه واسه پیروزی، ایمان داشته باش، کسایی که الان مسخرت میکنن، الان میگن نمیشه، میگن تمام تلاشت بیهودست یه روزی آخرش به احترام پیروزی از جاشون بلند میشن.

ایمان داشته باش که روز تو هم فرا میرسه یه روز که جواب همه این تلاشاتو و شکستهارو و سختیهارو میبینی.

تلاش کن، بیشتر تلاش کن، داری بهش میرسی، میتونی بهش برسی، باورش کن، لمسش کن موفقیت نزدیکه.

اگه خواهان زندگی بهتر هستی باید بیشتر تلاش کنی تو که یک زندگی بهتر میخوای زندگی دررفاه میخوای، باید بیشتر تلاش کنی باید بیشتر رو ذهنت کار کنی باید از بقیه بهتر عمل کنی اگر بخوای معمولی باشی اگر بخوای همین کارهایی که در طول روز انجام میدی دوباره اونارو انجام بدی، به موفقیت میرسی.

تو باید تلاشتو بیشتر کنی، به این امید باشی که موفقیت نزدیکه، قدرت خداوند رو در کنار خودت، درون خودت، پشت سر خودت، بیشتر احساس کن، قدرت خداوند رو فراموش نکن؛ خیلی وقته که قدرت خداوند رو فراموش کردی شاید به زبون بیاری، به یاد خدا هستی ولی فکر میکنی تنهات گذاشته، ولی فکر میکنی در کنارت نیست؛ دوباره بخواه؛ دوباره بگو؛ دوباره فریاد بزن و خواستتو بگو؛ تو میتونی به خواستت برسی، فقط کافیه که ایمانتو نسبت به خالقت بیشتر کنی و بیشتر تلاش کنی تو هیچ کم از قهرمان زندگی نداری، تازه در بعضی مواقع تو بیشترم داری؛ ولی یک نفر تمام آرزوهارو کشته، به دنبال اون نفر نباش؛ به دنبال دلیلی برای کنار گذاشتن آرزوت نباش؛ به دنبال دلیلی برای ادامه دادن آرزوت باش، به دنبال آرزوت باش بیشتر تلاش کن .

چرا بعضیا موفقتر و ثروتمندتر هستن؟

اصلا دوست من تا حالا فکر کردی چرا بعضیا موفقتر، ثروتمندتر، شادتر هستن؟ آیا فکر میکنی اونا با هوشترن؟ یا بیشتر و سخت تر کار میکنن؟ یا تو شرایط بهتری هستن؟ واقعا فکر میکنی چرا اونا اینقدر موفقتر و ثروتمندتر هستن؟ در حالیکه خیلیا باهوش بیشتر، شرایط بهتر، محل زندگی بهتر و یا حتی با کار بیشتر به چنین موفقیتهایی نمیرسن؟

بزار حرف آخرم رو اول بزنم؛ **تفاوت تو طرز تفکر اونهاست.** یعنی اونا یه جور دیگه فکر میکنن. بزرگتر فکر میکنن. دقیقا مسئله اینجاست. که میزان پول تو حسابهای بانکیت، میزان رضایت از زندگی، میزان خوشحالی و خوشبختیت بستگی داره به اندازه و نوع تفکر تو. دقیقا ارتباط مستقیم بین اون چیزی که هستیم و اون چیزی که بهش فکر میکنیم وجود داره. اگه دقت کنی همیشه و همه جا بهمون میگن مدیرعامل زیاد داریم، کارگر کم داریم! ماشالله همه هم میخوان مدیر بشن! یعنی چی؟ یعنی اینکه به همین چیزی که داری قانع باش و

بچسب به زندگیت؛ اونی هم که داری از دست نره.

ولی دوست من، اینکه مدیر عامل و رئیس زیاده و کارگر و کارمند کم، اصلا واقعیت نداره؛ یا مثلا میگن هر چی پیش آید خوش آید، یا قضا و قدر اینجوری بوده که اینجا و با این شرایط زندگی کنی. پس همه آرزوهاتو رویاهاتو فراموش کن. اون خونه زیبا، اون مسافرتها اروپا، اون ویلای زیبا، اون درآمد زیاد، اون ماشین آخرین مدل و دانشگاه خوب برای بچه هات رو فراموش کن.

خودتو به قضا و قدر بسپار و زندگیتو بکن؛ دنیا دو روزه میاد و میره. به همینی که داری قانع باش، بالاخره میگذره بابا سخت نگیر، یا مثلا میگن پول کثیفه! باید همه چیتو بدی تا پولدار

شی، هیچ کس از راه حلال پولدارنمیشه باید وجدانت و شرفت و روختو بدی تا پولدار شی، تا بجایی برسی .

اما حقیقت اینه که موفقیت خرجی نداره، بلکه هر قدمی که توش برمیداری یه بهره ای هم بهت میده؛ یه سری به موسسات کاریابی بزن. میبینی درخواست حقوق ماهیانه ۱ میلیون، صد برابر از درخواست حقوق ۲۰ میلیونییه. خلاصش اینکه رقابت برای حقوق و درآمد بالاتر به شدت کمتره . حتما این جملات به گوشتون آشناست:

هر کس اون چیزیه که بهش فکر میکنه.

اینکه به متوسط ها راضی نشی و به بهترینا فکر کنی. اینکه انتظار تو از خودت بالا ببری؛ جدا چقدر از خودت انتظار داری؟ چقدر از خودت توقع داری؟ باور کن دوست من تو لایق بهترینا هستی، کائنات هر چی رو که بخوای در اختیار میزاره از همه چی به اندازه کافی برای همه تو دنیا هست.

اگه داری این مطلبو میخونی یا گوش میدی پس انتخاب کردی که روال گذشتتو بزاری کنار و یه جور دیگه از این به بعد عمل کنی. میخوای خودتو بالا بکشی موفق و پولدار بشی همه اینا به هم گره خوردن اگه بزرگ فکر کنی موفق میشی و مطمئن باش ثروتمند هم میشی. میخوای زندگی اون روی خوشو بهت نشون بده، فقط راهشو بلد نیستی و دنبال اونی. فقط وسایل و ابزار لازم رو نداشتی. تو دو تا پیش نیاز لازم برای ثروتمند شدن رو همین حالا داری.

یکی اشتیاق برای رسیدن به موفقیت و اون یکی هوشی که وسیله مناسب برای درک اون اشتیاقو انتخاب کنه.

اگه بزرگ فکر کنی بزرگ زندگی میکنی خوشحالی و کامیابیها بزرگ میشن، درآمدت تعداد دوستات و روابطت بزرگ خواهد شد، پس شروع کن .

اولین و مهم ترین کاری که باید انجام بدی تغییر خودته؛ تغییر عادتها و باورها. چرا این حرفو میزنم؟ اگه یه نفر باور ثروتمندی نداشته باشه اگه عادتها و رفتار ثروتمندانه نداشته

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

باشه نمیتونه ثروتمند بشه نمیتونه موفق بشه .محاله ممکنه .بهت قول میدم این اتفاق هیچ وقت نمی افته.

یه مثال برات میزنم: فرض کن یه نفر یه درآمد معمولی و یه زندگی معمولی داره. یه مبلغ قابل توجهی ارث بهش میرسه. فکر میکنی چه اتفاقی میافته ؟ دیر یا زود همه اون ثروت و دارایی رو از دست میده یا خرج میکنه و دوباره به شرایط قبلی برمیگرده. این قانون طبیعته. حالا فرض کن یه آدم ثروتمندی که با تلاش خودش صاحب ثروت و مکنت شده میزنه و وضعیت اقتصادی خراب میشه و اون آدم ورشکست میشه همه چیشو از دست میده شک نکن تو مدت کوتاهی دوباره کسب و کارشو از نو شروع میکنه و دوباره صاحب همه چی میشه، چون اون خودشو با تلاش خودش به اون شرایط رسونده و ذهنیت و باورهای ثروتمندی تو اون شکل گرفته و دوباره سر جای قبلیش برمیگرده.

پس اگه تو هم بخوای به موفقیت و ثروت برسی باید اول از همه، عادتها و رفتار و باورهای ثروتمندی تو خودت ایجاد کنی.

من بصورت مختصر کارهایی که باید انجام بدی تا خودتو به اون شرایط برسونی رو بهت میگم.

دوستانی که در قسمت نظرات ما رو همراهی میکنن ضمن اینکه به بقیه دوستان برای رسیدن به موفقیت کمک میکنند از محصولات و مطالب رایگان بسیار ارزشمندی که تهیه میگردد زودتر از دیگر همراهان سایت مطلع میگرددند.

<http://webenik.com>

افراد موفق چه عادت هایی دارن؟ افراد موفق هر روز چه رفتاری را تکرار میکنند که منجر به قرار گرفتن آنها در بین ۲۰ درصد فرد پر درآمد در جامعه می شه؟

ارسطو میگه نود و پنج درصد رفتار شما ناشی از عادت های شماست.

پس قانون اینه که عادت های خوبی در خودت به وجود آوری و آنها را سرلوحه کارهای خود قرار دهی به جای اینکه اجازه بدی عادت های بدی پیدا کنی. در حقیقت قانون دیگر اینست که عادت های خوب به سختی به وجود میان اما زندگی کردن

با وجود آنها راحت. عادت های بد به راحتی به وجود میان اما زندگی کردن با وجود آنها سخته. یکی از نکات مهم اینه که هر عادت جدیدی را میشه یاد گرفت و همچنین هر عادت را میتوان ترک کرد در واقع عادت بد را ترک نمیکنی بلکه اونرو با عادت خوب که قدرت و اثر بیشتری داره جایگزین میکنی.

چگونه میتوان عادت خوب را به وجود آورد؟ از طریق تکرار.

تقریبا همه کاری که تو از لحظه بیدار شدن انجام میدی از روی عادتته ؛ بنابراین از خودت بپرس بهترین عادتیه که میتونی داشته باشی چیه؟

شماره صفر:

خیال و تجسم حیرت آورترین و معجزه آساترین و قدرتمند ترین نیروییه که جهان تا بحال شناخته. اکثر انسانها اگر هم از نیروی تخیل و تجسم خود استفاده کنن اون رو علیه خودشون بکار میبرن اون چه را که نمیخوان و مشکلاتی که پیش میاد را تجسم می کنن. بیایید آنگونه که خداوند خواسته از قدرت تجسم استفاده کنیم این نیرو قوی ترین وسیله اییه که ما برای خلق هر چیزی در اختیار داریم و هرکاری که بخواهیم میتوانیم با اون انجام دهیم.

ازت میخوام که تو خونه و یا محل کار خودت دقت کنی و به هر وسیله یا ابزاری که الان در اختیار داری ولی دو یا پنج سال پیش نداشتی نگاه کنی؛ حتی ۲۵ سال پیش آیا میدونی هر یک از اون ها بدون استثنا برای اولین بار در ذهن یک نفر و از طریق قوه تخیل و تجسم اون ساخته شده؟ آیا میدونی که با استفاده از تجسم میتونی به آینده بروی و اتفاقات آن را به زمان حال بیاوری؟

این کاریه که همه انسانها ی موفق انجام میدن، آنها آینده ای را که برای خودشون میخوان تجسم می کنن و به همان صورت رفتار میکنن. این یک تکنیک متعلق به بازیگران است که باید مانند همان شخصیتی که میخوان باشن رفتار کنن. چطور میشه این کار را انجام داد؟

مسلمای وقتی که از تخیل و تجسم خودت استفاده کنی این یک پدیده عجیبه ولی بهترین هدیه‌ایه که خداوند به ما داده و فقط تا سن چهار یا پنج سالگی از آن به خوبی استفاده میشه. ما همیشه تو این فکر هستیم که در ذهن یک کودک چی میگذره آنها از نیروی تجسم و تخیل خودشون استفاده می‌کنن و تصاویر شگفت‌انگیزی در ذهن خود خلق می‌کنن اما وقتی به مدرسه میرن همه چیز متوقف میشه و دیگه به اون بی توجهی و خیالبافی می‌گن؛ اونها در واقع داشتن یک وسیله شگفت‌آور ذهنی را تمرین میدادن.

ما میتونیم بو کنیم و لمس کنیم و اینها تا زمانی برای جسم ما سودمندن که ما تو دنیای فیزیکی زندگی می‌کنیم و از این فاکتورهای حسی استفاده می‌کنیم. ما قدرتهای بالاتری داریم مانند فهم، اراده، حافظه، درک، منطق و قدرت تجسم. اینها ابزار شگفت‌انگیزی هستند.

شماره یک:

اهداف روزانه خود را بنویس و مطابق آن عمل کن. این به چه معنیه؟ شب‌ها هنگام خوابیدن در مورد اهداف روز بعد فکر کن. لیستی از کلیه اهداف روزانه خودتو تهیه کن. دفتری تهیه کرده و بطور منظم اهداف روزانه خود را بنویس. در طول روز به اهداف خود فکر کن؛ میانیکه با افراد مختلف صحبت میکنی در مورد اهداف خود فکر کن. تو قطعاً به آنچه اغلب فکر میکنی تبدیل خواهی شد، تو قطعاً به اون چیزایی که اغلب فکر میکنی دست پیدا خواهی کرد. بنابراین تمامی افراد موفق و ثروتمند بیشتر اوقات در مورد اهداف خود فکر میکنند. اهدافی که برای خودت در طول روز یا در بازه‌های زمانی مختلف تعیین میکنی باید ویژگیهای زیر را داشته باشه:

۱- مشخص باشد. هدف باید به درستی تعریف شده باشد و به ۴ سوال چه زمانی، چه مکانی، چه چیزی و توسط چه کسی پاسخ بدهد.



۲- قابل سنجش باشد. ویژگیهای هدفی که تعیین کردی چیست؟ و زمان رسیدن به آن هدف را چطور ارزیابی میکنی؟

فرض کن در یک مسابقه فوتبال هیچ کس نتیجه آنرا محاسبه نکنه؛ این بازی به اندازه تلاش تو برای رسیدن به یک هدف بدون ویژگیهای قابل سنجش بی فایده است.

۳- دست یافتنی باشد. با توجه به محدودیتهایی که با آن روبرو هستی رسیدن به هدف امکانپذیر باشد. به عنوان مثال خواندن یک کتاب در طول هفته ممکن به نظر میرسه ولی تبدیل به یک ورزشکار حرفه ای شدن مسلما امکان ندارد.

۴- واقع بینانه باشد. هدفی که طراحی کردی ارزش صرف انرژی را داشته باشد و این هدف با اهداف دیگری که برای خود معین کرده ای هماهنگ باشند. بهتر است به جای ارزیابی یک هدف تمام اهداف را در کنار هم ارزیابی بکنی. مثلا اهداف کاری با نقش شما در خانواده در تضاد نیستن.

۵- زمان بندی شده باشد. برای هدف محدودیت زمانی تعیین کن. برای همه ما پیش آمده که

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

هدفی را مشخص کرده و آنرا شروع نشده، بی نتیجه رها کرده باشیم بنابراین برای کارهای خودت زمان مشخص کن و سعی کن به این محدودیت ها پایبند باشی. هدفگذاری هوشمندانه نه تنها در فعالیتهای روزانه بلکه در انجام پروژه های کاری هم به عنوان کارآمد ترین روش هدفگذاری شناخته میشه بنابراین به جای وعده های الکی کاغذ را بردار و برای خود اهدافی مناسب طراحی بکن.



شماره دو:

به نتایجی که بدست میاری اهمیت بده افرادی که به نتایج بسیار اهمیت میدن همیشه به این فکر میکنند که چه کاری میتونن انجام بدن که منجر به بدست آوردن بهترین و مهم ترین نتیجه بشه.

افراد موفق لیستی از کارهایی که باید انجام بدن تهیه میکنند و قبل از اینکه مشغول کار شوند مهم ترین کارهای آن لیست را مشخص می کنند یکی از راههای تبدیل شدن به چنین شخصی اینه که زمانیکه لیست کارهای روزانه خود را تهیه کردی از خودت بپرسی اگر تنها

فرصت انجام یک کار را داشته باشم چه کاری را انجام خواهم داد و دور آن کارو تو لیست خودشون دایره ای کشیده و آنرا بلافاصله انجام بده، سپس خودت را مقید کنی تا اون کار و بدون توقف تا پایان انجام بدی، حداقل ۱۰۰ سال است که این تکنیک ساده انسانها در سراسر دنیا به افرادی ثروتمند تبدیل کرده است؛ بنابراین مهم ترین کار روزانه خودت رو انتخاب بکن بلافاصله اونو انجام بده و خودت رو مقید کن که تا کامل شدن اون متوقف نشوی .

شماره سه:

با دیگر انسانها رابطه خوبی داشته باش؛ آگاه باش که کلیه دستاوردهای تو، تو زندگی با کمک، حمایت و همکاری دیگر افراد است.

بنابراین همیشه از خودت بپرس؛ دیگران ممکن است از من چه چیزی بخوان؟ چگونه میتونم به دیگران کمک کنم تا آنها نیز به من کمک کنن، اگر در زمینه فروش مشغول به کار هستی باید بدونی که فروشندوها همواره در حال فکر کردن به مشتریهای خودشون هستن اونا به این فکر میکنند که مشتریهای آنها چه کسانی هستن، چی میخوان، چگونه میتونن بیشترین کمک را به اونا بکنن، افراد موفق در روابط خود تمرکز زیادی بر مهم ترین افراد دنیای خودشون دارن؛ هم در زمینه کاری و هم شخصی .



شماره چهار:

بیشتر اوقات در مورد سلامتی خودت فکر کن؛ به این فکر کن که بهترین و سالم ترین غذای ممکن رو بخوری، روزانه ورزش کنی، خوب استراحت کنی، فراموش نکن در دنیای پررقابت امروز برای موفق شدن باید انرژی زیادی داشته باشی و برای پرانرژی بودن باید غذای سالم مصرف کنی، خوب استراحت کنی، و همیشه ورزش بکنی. یکی از مهم ترین عادت های شخصیتی صداقت؛ همیشه و به هر قیمتی حقیقت را بیان کن. آخرین ویژگی یا عادت منظم بودن؛ نظم عادتی پایه ایی که هر چیزی را ممکن میکند. بهترین تعریف برای نظم اینه :

نظم توانایی مقید ساختن خود به انجام کارهایی که باید در زمان مشخص انجام بدی حتی اگر حس آن نباشه.

آیا اهداف زندگی خودتو مشخص کردی؟

«اگه بتونی اونها رو تجسم کنی و روی کاغذ بنویسی میتونی به اونها برسی»

در مسیر موفقیت قطعا با موانعی روبرو خواهی شد، بله با موانع بسیاری روبرو خواهی شد؛ قطعا اخبار ناامید کننده خواهی شنید؛ خواهی شنید که برنامه ها و اهداف عملی نخواهد شد، قطعا در این مسیر لحظاتی خواهند رسید که تو رو ناامید خواهند کرد و در آن لحظات تصور خواهی کرد که سال جدید همانند سالهای گذشته شده.

پس این تصور را از خودت دور کن که تنها نوشتن اهداف و فکر کردن به اون ها کافیه؛ تا زمانی که در مورد خواسته قلبی خودت مطمئن نباشی شرایط هیچ تغییری نخواهد کرد، پس از تو میپرسم خواسته قلبی تو چیه؟

چون روزهایی فرا خواهند رسید که حتی انگیزه از خواب بیدار شدن نخواهی داشت، احساس میکنی میخواهی تسلیم بشی و همه چیز را رها کنی، تنها عاملی که باعث میشه تو همواره پرانگیزه و پر انرژی باشی تنها عاملی که باعث میشه از تک تک موانع سربلند عبور کنی،

تنها عاملی که باعث میشه با انرژی از خواب بلند شی، دونستن هدف اصلی و خواسته قلبیته، پس ازت میخوام که اونارو بنویسی.

یه چیزی رو میخوام بهت بگم و یه داستانی مرتبط باهاش برات تعریف کنم اونم اینه که دوست من، هیچ وقت برای شروع دیر نیست نگو سنم گذشته و پیر شدم و دیگه نمیشه و اینا

مثلا به خلیا میگی بیا این کارو بکن میگه بابا دیگه از ما گذشته، میگی بیا ورزش کن میگه دیگه بالای بیست سال نمیشه ورزش حرفه ای کرد .

این شخصی که داشتانشو میخوام بگم آشنای بسیار نزدیکمه. تو بچگی به خاطر مسائلی نتونسته بود ورزش مورد علاقتو انجام بده .بعد دیگه وارد زندگی و کار و ازدواج میشه فرصت نمیشه بعدها تو سن حدود ۳۰ سالگی با دو تا بچه شروع میکنه به ورزش بصورت جدی .اونم چی ورزش رزمی خیلی سنگین و خشن.

هر کی بهش میرسید حتی خود من بهش گفتن بابا دیگه از تو گذشته این همه به خودت فشار بیاری سبک تر تمرین کن مگه میخوای کجا رو بگیری و این حرفا. اما حرف هیش کی رو گوش نمیکرد و به کارش ادامه داد همش مسابقه داد باخت و زخمی و داغون برگشت خونه .این اتفاق بارها تکرار شد و این آدم به خودش باور داشت و میدونست و مطمئن بود که موفق میشه و میدونید چی شد .اینقدر مسابقه داد و باخت تا بالاخره یواش یواش میرفت و مسابقه میداد و مقلا دوم میشد سوم میشد و تا اینکه اون چیزی رو که منتظرش بود رسید همین هفته قبل تو یزد مسابقه قرهمانی کشور بود و اون قهرمان کشور شد و مدال طلا گرفت .میدونید تو چه سنی ۳۹ سالگی.همه حریفاش زیر ۳۰ سال سن دارن .باورتون میشه؟ ولی خودش باور داشت و مطمئن بود به خودش .بینید فقط کافیه به خودتون ایمان داشته باشید اونم ایمان راسخ که حرف هیچ کس هیچ موج منفی هیچ فاز منفی و هیچ نظر مخالفی نتونست اونو مایوس کنه. تو هم اگه میخوای موفق بشی باید یه همچین روحیه ای داشته باشی. از ته قلبت بخواه و برو به سمتش .بدون وقفه.مطمئن باش موفق میشی.شروع حرکت رو به هیچ عامل زمانی و مکانی وابسته نکن.

باید با اتکال به خداوند بزرگ، با صبر و تحمل، با پشتکار و ایثار موانع را یکی پس از دیگری کنار بزنی و دروازه های پیشرفت و تعالی و کمال را بگشایی. باید با فروغ ایمان، با جدیت و تلاش و با همت و عزمی راسخ با سیاهی شب های انحطاط و ابتدال مبارزه بکنی و روشنی صبح های تعالی و کمال را به ارمغان آورد.

حتی انسان های متوسط هم اگر با تلاش و پشتکار، استعداد های نهفته و بالقوه اونا به فعلیت برسه و در مسیر واقعی خودش به جریان بیافته، قدم های بزرگی را می تونن بردارن و خدمات شایانی را می تونن به انجام برسونن.

اگر هدفی مشخص نداشته باشی درباره ی ساده ترین تصمیمات دچار تزلزل و ناتوانی می شی. اگر امروز از هر فرد موفق سئوال کنی که راز موفقیت تو در چیست؟ بدون تردید اون در کنار عوامل مختلف، از یک عامل مهم کلیدی تو موفقیتش صحبت می کنه و آن ویژگی مهم، هدفمند بودن. خصوصیت و نقطه مشترک تمامی افراد موفق اینه که اونها برای نیل به موفقیت زندگیشان هدف مشخصی را انتخاب می کنن.

بی شک دلیل اول برای این که مردم آنچه را که می خواهن به دست نمی آورن اینه که اونها نمی دونن چه می خوان.

این، زندگی نیست که قضاوت می کند که باید به کدام سمت بری، بلکه به سوی آنچه که پیش می ری، زندگی شما می شود...

از تو ۳ درخواست دارم :

مورد اول : از تو میخوام که هدف اصلی خودتو بنویسی و هر روز با دوباره نوشتن آن ، اونو به خودت یادآوری کنی، هر چه بیشتر هدفت رو به خودت یادآوری کنی برایت شفاف تر خواهد شد ، دلیل اینکه بسیاری، پس از گذشت چند ماه هدف خودشونو فراموش میکنن اینه که اون هدف برایش شفاف نیست.

بگذارم مثالی بزنام، نکته بسیار جالبی در مورد برف وجود داره زمانی که شخصی در برف حرکت میکنه میتونه رد خودشو ببینه، اما اگر در همان محل برفی وجود نداشته باشه هیچ اثری از رد پا وجود نخواهد داشت، اما در برف میتونی با جزئیات کامل ردپا را ببینی، چرا که کفش های

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

تو بر روی برف تاثیر میگذاره و همین اثر را نوشتن خواسته هات به روی تو خواهد داشت، از تو میخوام که آرزوهای خودتو مشخص کنی اونها را به وضوح در مقابل خودت ببینی، به گونه ای که وقتی صبح از خواب برمیخیزی در مسیر آنها قدم برداری. در آن صورت اهداف تو تعیین کننده زمان از خواب بیدار شدن تو خواهند بود، اهداف تو تعیین خواهند کرد که با چه کسانی رابطه داشته باشی، افراد بسیاری به من میگن؛ اهدافمان را میدانیم اما نمیدانیم چکار باید بکنیم!



اهداف به تو میگن، آن اهداف میزان خواب تو را تعیین خواهند کرد، شاید نیاز نباشه ساعت ۳ صبح از خواب بیدار شوی، من نمیدونم اما اهداف تو تعیین کننده این شرایط خواهند بود که چه زمانی از خواب بیدار شوی، چگونه زندگی کنی و چگونه پیش بروی، چه مواردی را بپذیری و رد کنی، پس اهداف خود را بنویس و هر روز آنها را مرتباً به خودت یادآوری کن.

بسیاری از شماها اهدافی مات و نامشخص دارید اهدافتان برایتان کاملاً مشخص و شفاف نیست اما آنقدر باید به نوشتن آن اهداف ادامه بدی که تک تک آن اهداف برایت مشخص و واضح شود، زمانی که شخصی در مه رانندگی میکنه نمیتونه از تمامی مهارتهای خود به خوبی

استفاده کنه و همواره در ترس به سر خواهد بود، چرا که نمیتونه به خوبی جاده را ببینه اما زمانی که هوا آفتابیه آن شخص با سرعتی بسیار بالا رانندگی خواهد کرد و پیش خواهد رفت.

زمانیکه اهداف مشخصی نداشته باشی مانند شخصی هستی که در مه رانندگی میکنه، در نتیجه نخواهی توانست از تمام تواناییهای خود استفاده کنی و نخواهی توانست همیشه در بهترین حالت ممکن خودت به سر ببری.

پس اهداف خود را بنویس، بارها و بارها آنرا تکرار کن. هر هدفی که داری باید اونرا بنویسی، هر هدفی که داری مانند تجارت و شغلت؛ به تکرار و نوشتن آنها ادامه بده تا برایت همیشه تازگی داشته باشه ، زمانیکه اهداف تازگی داشته باشن هیچ چیز مانع دستیابی شما به آنها نخواهد شد.

پس از مرحله اول که نوشتن مکرر اهدافه ؛ به **مرحله دوم** میرسیم:

این هدف فقط مال توست، به من خوب گوش بده. دست از توضیح اهداف خودت برای دیگران و توجیه آنها بردار، آن اهداف تنها برای تو تعیین شدن و نظر دیگران هیچ اهمیتی نخواهد داشت، اگر بتونی اهداف خودت را شفاف در مقابل چشمان خود تجسم کنی، هیچ چیزی مانع تو نخواهد شد.

به برادران رایت گفتن که پرواز غیر ممکن است اما امروز پرواز کردن به امری عادی تبدیل شده است، در گذشته میگفتن امکان نداره کسی بتونه یک مایل در مدت ۴ دقیقه بدود، اما یک نفر با انجام این کار به آنها نشان داد که اشتباه میکردن ، اهداف تو تنها برای خود تو هستن، اگر نظرات افراد تو را مایوس میکند، دلیل پایین بودن عزت نفس توست، نظر دیگران مهم نیست اگر خواسته خودت را بتونی به وضوح تجسم کنی، زمانی که میگم اهداف خود را به وضوح تجسم کنی منظورم ذهن توست.

از قوه تخیل و تجسم خود استفاده کن، چرا که هیچ محدودیتی برای تخیل وجود ندارد، اجازه نده اطرافیان تو را متوقف و محدود کنن، اجازه نده اطرافیان بهت بگن نمیتونی، تو جای من نیستی طبیعیه که اهداف من برای تو مهم نباشه، تو تواناییهای منو نداری اما این دلیل همیشه چون تو نمیتونی من هم نتونم، اما از اطرافیان خود متنفر نشو، تنها دلیل رفتار آنها اینه که اهداف تو برای آنها شفاف نیست، زمانی که میگم اهداف خودت را به وضوح تجسم کن، منظور من خواستن آن اهداف از صمیم قلب و باور داشتن آنهاست، ایمن داشته باش که هر

هدفی که داری به آن دست خواهید یافت؛ باور کن که متفاوت هستی. باور کن تو به گونه ای آفریده شده‌ای که میتونی به تک تک اهداف خودت برسی، درخفت تو از هیچ الگویی استفاده نشده؛ تو منحصر به فرد هستی و باید اینو باور کنی. ازت خواهش میکنم موارد قبل را انجام بده مرحله اول که نوشتن مکرر اهداف بود مرحله دوم شفاف سازی و تجسم اهداف.

مرحله سوم: دست از التماس کردن بردار. تو اهداف مشخصی داری و آنها مختص به تو هستن، هرکس تنها نسبت به اهداف خودش شور و اشتیاق داره و وظیفه رسیدن به اهداف هر کسی بر عهده خود اوست.

از مردم نخواه که دراهداف و آرزوهات سرمایه گذاری کنن، تا از آن طریق اهداف تو به واقعیت تبدیل بشن، بار خود را بردوش دیگران نگذار!! دست از التماس کردن بردار در خودت سرمایه گذاری کن؛ زمانی که خودت را پیشرفت بدی و رشد کنی افراد دیگر داوطلبانه به سراغ تو خواهند آمد.

زمانی که در رشد و پیشرفت خودت سرمایه گذاری کنی افراد دیگری داوطلبانه به سراغ خواهند آمد، تو نمیتونی از مردم چیزی بخواهی که حتی خودت حاضر نیستی انجام دهی؛ دست از ناله کردن بردار و در رشد و پیشرفت خودت سرمایه گذاری کن، گذشته را فراموش کن، دیگه گذشته‌ها اهمیتی نداره، هدف ما امروز هم نیست وهدف ما تنها موفقیت در آینده نیست بلکه هدف ما استفاده کامل از تک تک روزهاست چرا؟

چون تک تک روزها ارزشمند هستن تو هیچ وقت نمیتونی لحظه موفقیت خود را پیش‌بینی کنی، به همین دلیل نمیتونی بیش از حد بخوابی، به همین دلیل نمیتونی تسلیم بشی، چرا که هیچ وقت نمیتونی لحظه موفقیت خودت را پیش‌بینی کنی، یک روز از خواب بیدار میشی و متوجه میشی که به هدف خودت رسیدی، اما اگر تسلیم بشی، هیچ گاه به آن لحظه دست نخواهی یافت؛ پس ازت خواهش میکنم.

مابقی عمر خودت را به بهترین روزهای زندگیت تبدیل کن.

چگونه اهداف خود را انتخاب کنیم؟

ازت میخوام این کارایی که اینجا بهت میگم رو به صورت عادت درآری. شک نکن که اگر این به یه رویه برات تبدیل بشه همین یه کار زندگی‌تو متحول میکنه. تلفن خود را خاموش یا از پریز بکش و یه جای ساکت و آروم انتخاب کن .

۱- همون دفترچه خودتو بازکن. واسه خودت رویا پردازی کن. یعنی همینطور که اجازه میدی تخیلتون هر جا میخواد پرواز کنه هر چیزی که به فکر ت میرسه رو یادداشت کن. متاسفانه خیلی از ماها قدرت خیال پردازی رو از دست دادیم. خیال پردازی امید به آینده رو تو ما زنده نگه میداره. پس اولین قدم در مسیر پیشرفت و موفقیت خیال پردازی. اینقدر به اینکار ادامه بده که یک لیست بلند بالا از ایده ها تو دفترتون نوشته باشی.



نگران نباش. این دفتر شخصیتونه و کسی قرار نیست اونو بخونه. پس با خیال راحت هر چیز باربط و بی ربط رو توش بنویس. خیلی از ایده های ناب از همین خیال پردازی ها بدست میاد. لیست رو تکمیل کن و بزاریدش کنار.

۲- بعد از ۲۴ ساعت برو سراغ دفترچه و لیست رو بخون. هر ایده ای که اونجا نوشتی رو یکبار بخون و از خودت بپرس چرا؟ اگر نتونستی در یک جمله بیان کنی که چرا چنین خیالی داشتی و چرا میخواهی بهش برسی پس دیگه اون ایده یک خیال نخواهد بود و نمی تونه برای تو یک هدف باشه. روی این ایده ها خط بکشی. بعد برای بقیه ایده‌هایی که نوشتی این سوالات رو از خودت بپرسی و جواب منطقی براش پیدا کنی در غیر اینصورت روی اون هم خط بکشی:

A : آیا واقعا این هدفی را که انتخاب کردم هدف اصلی من است؟

B: آیا رسیدن به این هدف من را خوشبخت تر می کند؟

C: من را سلامت تر می کند؟

D: من را ثروتمند تر می کند؟

E: باعث می شود دوستان بیشتری پیدا کنم؟

F: به من آرامش فکری می دهد؟

G: روابط من را با دیگران ارتقا می دهد؟

اگر نتونستی حداقل به یک سؤال از این پرسشها برای هر هدف پاسخ مثبت بدی، آن هدف را از لیستت حذف کن.

موقع پاسخ دادن به این سؤالاها حتماً خانواده ات را هم در نظر داشته باش و نیز دقت داشته باش لذت را با خوشبختی اشتباه نگیری.

۳- بعد از پرسیدن سؤالاتی که در قسمت ۳ گفته شد مطمئناً چند مورد از اهدافت حذف خواهند شد. در واقع اینها هدف واقعی برای شما نبودن. اینها فقط افکار و امیال تو در این برهه از زمان بوده اند.

۴- بعد از تقسیم اهداف کلی، مطمئناً هدف های جزئی نیز خواهد بود که برای رسیدن به آن اهداف لازم است. این اهداف را نیز توی دفترچه آورده و دسته بندی کن.

۵- حالا اگه یه شخص متخصص و مورد اعتماد و هم فکر با شما باشه باهاش در مورد ایده هات مشورت کن و بعد تصمیم نهایی خودتو بگیر و لیستتو نهایی کن.

ذهن ثروتمند ، ذهن فقیر

بین دوست من توانایی تو، تو هدف گذاری مهارت اصلی و تعیین کننده برای موفق شدنه. با داشتن هدف، ذهن مثبت تو به کار می افته و نقطه نظرها و انرژی برای دستیابی به این اهداف آزاد می شن.

بدون هدف، تحت تأثیر جزر و مد زندگی به بالا و پایین می ری. اما با داشتن هدف چون تیری از کمان در رفته به سوی هدفت به حرکت در می آیی تا به آن اصابت کنی. آری برای رسیدن به اهداف خود باید از مشکلات و سختی ها نهراسی.

از تو دوست خوبم میخوام با مراجعه به لینک زیر نظرات و تجربیات خودتو با دیگر دوستان به اشتراک بگذاری.

دوستانی که در قسمت نظرات ما رو همراهی میکنن ضمن اینکه به بقیه دوستان برای رسیدن به موفقیت کمک میکنند از محصولات و مطالب رایگان بسیار ارزشمندی که تهیه میگردد زودتر از دیگر همراهان سایت مطلع میگرددند.

<http://webenik.com>